

سناریوهای همه‌پرسی استقلال کردستان عراق

علیرضا سمیعی اصفهانی^۱
سارا فرحمند^۲

چکیده

«پیشمرگه‌های کرد» پس از تهاجم داعش، به طور غیررسمی کنترل برخی از مناطق شمالی را شده توسط نیروهای نظامی عراق را در دست گرفتند و در نتیجه خواسته‌ها برای استقلال کردستان قوت گرفت. این رویداد، پیامدهای داخلی و منطقه‌ای مهمی را می‌تواند برای اقلیم کردستان عراق در پی داشته باشد. از این رو، هدف نوشتار پیش‌رو بر پایه روش آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی، پاسخ به این پرسش اصلی است که با توجه به رویدادهای کنونی و پیش‌بینی روند آینده آن‌ها، چه سناریوهایی پیش‌روی حکومت اقلیم کردستان قرار دارد؟ بر این پایه، پنج سناریو در سه دسته‌بندی را می‌توان مطرح نمود: الف) سناریوی مطلوب؛ ۱) انجام مذاکرات اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق، ایران، ترکیه، آمریکا و متحدان غربی آن و اعلام استقلال کردستان؛ ۲) استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از توان‌مندی‌های اقتصادی اربیل برای تاثیرگذاری بر کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی آینده؛ ب) سناریوی محتمل؛ ۱) میانجی‌گری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در اداره مناطق مورد مناقشه و ایجاد سیستم کنفدرال در ازای تعویق یا کنار گذاشتن استقلال کردستان؛ ۲) اعلام فوری استقلال کردستان عراق پس از شکست مذاکرات احتمالی با حکومت مرکزی عراق و دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای؛ ج) سناریوی ممکن: ایجاد کردستان بزرگ. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پیامدهای حاصل از برگزاری رفراندوم ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، اقلیم کردستان را دچار مشکلات عدیده کرده است؛ بنابراین چنانچه حکومت اقلیم کردستان نتواند بر این بحران غلبه کند بسیاری از دستاوردهای فعلی در حوزه اقتصادی، آزادی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی را از دست خواهد داد.

واژگان کلیدی: عراق، اقلیم کردستان، کردها، رفراندوم استقلال، دولت مستقل، رقابت‌های ژئوپلیتیک.

۱- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج، نویسنده مسئول: Email: Asamiei@yu.ac.ir

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین

Independence Referendum Senarios of the Kurdistan of Iraq

Alireza Samiei Esfahani

Associate Professor, Department of
Political Science, University of Yasouj

Sara Farahmand

M.A Graduated in Political Science, PNU
Qazvin

Abstract

Following the ISIL invasion of northern Iraq, Kurdish Peshmerga unofficially took control of some parts of the northern Iraq abandoned by Iraqi forces and, as a result, consequently attempted to strengthen the independence of Kurdistan. This event has important internal and regional implications on the Iraqi Kurdistan region. Utilizing the Future Studies scenario technique, the current research aims to answer the following question: Given the Kurdish Peshmarga's aim for the independent Kurdistan, how their political future can be best predicted? This investigation provides five scenarios in three categories: a) Preferable scenario: Kurdistan climate negotiations with the central government of Iraq, Iran, Turkey, the United States and its western allies, and the declaration of independence of Kurdistan; the independence of the Kurdistan region and the utilizing Erbil's economic capabilities to influence future actions and reactions (B) Probable scenario: mediating a third actor, and enjoying economic and political privileges via taking part in the disputed areas administration; creating a confederal system in return for postponing or abandoning the independence of Kurdistan; Immediate announcement of the independence of Iraqi Kurdistan after the possible failure of talks with the central government of Iraq and the rest of regional and international states (C) Possible scenario: creation of a great Kurdistan. The findings of the present study indicate that the consequences of the referendum of September 25, 2017, have affected the Kurdistan region. Therefore, if the Kurdish government can not overcome this crisis, many of the current achievements in the economic sphere will lose political, social and cultural freedom.

Keywords: Iraq, Iraqi Kurdistan, Kurds, Independence Referendum, Independent Government.

مقدمه

به لحاظ موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، منطقه کردستان عراق به عنوان هارتلند خاورمیانه، موزاییکی از اقوام است و کردهای ساکن در آن، طی صد سال گذشته آرزوی کسب خودمختاری و استقلال خواهی را در سر می‌پروراند و برای رسیدن به این ایده‌آل، گام‌های بلندی برداشته و هزینه‌هایی بسیاری متحمل شده‌اند. کردها در خاورمیانه از گذشته واجد مولفه‌های هویت یگانگی جمعی چون نژاد، قومیت، فرهنگ، افسانه، خاطرات تاریخی، زبان مشترک و جمعیت قابل توجه جهت تأسیس دولت بوده‌اند. از طرفی دیگر

حوادث تاریخی دو قرن اخیر و تجارب ملت-دولت‌سازی در خاورمیانه اندیشه خودگردانی در اشکال مختلف، از خودمختاری تا تأسیس دولت مستقل را وجه مشترک آرمان‌های سیاسی آنان قرار داده است. با این وجود، تنگنایی چون مخالفت دولت‌های خاورمیانه‌ای دارای اقلیت کرد و شرایط انزوای ژئوپلیتیک، سبب گردیده است تا نخبگان سیاسی کرد با دور شدن از اندیشه تأسیس دولت مستقل کردی بیشتر به مواردی چون خودمختاری، فدرال و تفویض نسبی قدرت محلی و منطقه‌ای روی آورند.

در پی حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳ و اشغال این کشور، فضای سیاسی - امنیتی جدیدی در عراق پدیدار شد که زمینه‌های حضور هرچه بیشتر کردها در نقش‌های کلیدی حکومت جدید عراق را فراهم نمود. کردها با بهره‌گیری از این فضای باز سیاسی، گام‌هایی بلندی را برای رسیدن به اهداف خودمختاری خویش برداشته‌اند. از سوی دیگر موج جدید فرایند دموکراتیزه شدن خاورمیانه، خیزش اقلیت‌ها و پی‌گیری اهداف خودمختاری، منجر به عدم ثبات و تعارض در مناطق مورد منازعه چون عراق شده است. به دنبال فروپاشی حزب بعث و تشکیل دولت - ملتی ضعیف، فرایند «دوفاکتو^۱» بودن استقلال اقلیم کردستان عراق تسریع گردید. در این دوره کردستان عراق از طریق تعامل با دنیای خارج، تقویت زیرساخت‌های صنعتی و اداری، استفاده از دیپلماسی نیم‌بندی که البته مدیون احزاب ریشه‌دار پارتی و اتحادیه است و صورت‌بندی گفتمان هویتی، سرزمینی و ژئوپلیتیک، موفق به عملیاتی نمودن مدل حکمرانی «فدراتیو^۲» و پی‌ریزی پایه‌های استقلال این اقلیم شده است.

علاوه بر فروپاشی حزب بعث، حملات داعش و به هم‌ریختگی سیاسی عراق و منطقه، فرصت نوینی جهت تحقق آرزوی استقلال‌خواهی و پی‌ریزی گفتمان ژئوپلیتیک جدید در اختیار اقلیم کردستان قرار داده است. در همین راستا در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان در این منطقه و نواحی مورد مناقشه چون کرکوک از سوی سران اقلیم برگزار و ۹۲/۷ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رأی مثبت دادند؛ اما برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان با واکنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله ایران، ترکیه و آمریکا روبه‌رو گردید. با این توصیف پژوهش حاضر بر آن است تا با

۱. دوفاکتو در اصطلاح حقوقی معادل غیررسمی بودن است و در مقابل آن حکومت دوژور یعنی رسمی قرار دارد.

۲. به معنای اتحاد و پیمان سیاسی میان چند واحد جغرافیایی است که در آن به نمایندگی از همه واحدها یک حکومت مرکزی وجود دارد.

تاکید بر سناریونویسی که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، ضمن بررسی و تحلیل فراندوم اقلیم کردستان به این پرسش اصلی پاسخ دهد که بر پایه روش آینده‌پژوهشی چه سناریوهایی پیش روی حکومت اقلیم کردستان قرار دارد؟ در این خصوص پنج سناریو را در قالب سه دسته‌بندی می‌توان مطرح نمود: الف) سناریوی مطلوب^۱: انجام مذاکرات اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق، ایران، ترکیه و آمریکا و متحدان غربی آن، به دست آمدن توافقی در اعلام استقلال و پذیرش آن از سوی دیگر کشورها، استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از منابع انرژی و توانمندی‌های اقتصادی اقلیم (ارییل) در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تاثیرگذاری بر کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی آینده؛ ب) سناریوی محتمل^۲: میانجیگری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در اداره مناطق مورد مناقشه و کسب امتیاز سیستم کنفدرال برای عراق در ازای تعویق یا کنار گذاشتن استقلال کردستان عراق، اعلام فوری استقلال کردستان عراق پس از شکست مذاکرات احتمالی با حکومت مرکزی عراق، دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای؛ ج) سناریوی ممکن^۳: ایجاد کردستان بزرگ.

۱. ادبیات پژوهش

اگرچه در خصوص اقلیم کردستان عراق پژوهش‌هایی انجام گرفته، با این حال از منظر آینده‌پژوهی، تاکنون هیچ پژوهشی به زبان فارسی در این زمینه صورت نگرفته است، در زیر به برخی آثار لاتین که از لحاظ موضوعی تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک می‌باشد، اشاره می‌گردد:

گالیا لیندن استراوس و آدرین کلاوزت (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «کردستان مستقل عراق؛ چشم اندازها و امکان‌پذیر بودن دولت آینده» می‌نویسند؛ اعلام یکجانبه استقلال، گزینه‌ای ممکن و نه احتمالی برای اقلیم کردستان عراق است. راه دیگر برای دستیابی اقلیم به استقلال از طریق توافق با بغداد (مانند الگوی سودان شمالی است) و یا این که عراق به طور کامل دچار تجزیه و فروپاشی شود. با این حال از نظر این دو تحلیل‌گر، سناریوی شکل‌گیری کردستان بزرگ بسیار بعید به نظر می‌رسد. از منظر خارجی نیز معتقدند؛ استقلال اقلیم کردستان با حمایت خارجی و مشروعیت بین‌المللی پیوند تنگاتنگی دارد و از این

1. Preferable Scenario
2. Probable Scenario
3. Possible Scenario

رو با منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای گره خورده دارد. به علت واقع شدن در یک کشور جنگ زده و برخوردار از اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی، سرنوشت کردستان عراق برای ترکیه، ایران و دولت‌های عربی مانند عربستان سعودی و همچنین قدرت‌های بزرگ دنیا حائز اهمیت فراوانی است. اگرچه شکل‌گیری یک دولت مستقل در شمال عراق، احتمالاً طرفدار غرب و نسبت به اسرائیل نگرش مساعدی خواهد داشت. مرکز عربی پژوهش و مطالعات سیاسی (نوامبر ۲۰۱۷) در تحلیلی با عنوان «فراندم کردستان عراق: پیامدها و چشم اندازهای آینده» می‌نویسد؛ چندین عامل در روند آینده بحران اربیل-بغداد تاثیرگذار خواهد بود. مهم‌ترین عامل این است که نسل نوظهور رهبران آینده کردستان عراق چه برخوردی با رویای فراموش شده استقلال پس از برگزاری فراندم خواهند داشت. رهبران جدید کردها مانند قباد طالبانی، نجیروان و مسرور بارزانی چگونه با میراث گارد قدیمی مبارزان آزادی کردستان که از سال ۱۹۹۲ همواره نقشه استقلال بیشتر را در سر پرورانده‌اند، برخورد خواهند کرد؟ افزون بر این، روابط تهران-آنکارا عامل مهم دیگری است که بر آرمان استقلال‌خواهی کردها تأثیر خواهد گذاشت. در پی فروپاشی حکومت اقلیم، ترکیه نگران نفوذ فزاینده ایران در کردستان عراق و به خطر افتادن منافع خود می‌باشد. از این گذشته، حمایت‌های عربستان از گرایش‌های فرقه‌گرایی در میان دولتمردان اقلیم و در نهایت نقش ایالات متحده به مثابه بازیگر بین‌المللی در این بحران را نباید از نظر دور داشت.

ماریا فاننتاپیه (۲۰۱۷) تحلیل گر ارشد موسسه بین‌المللی بحران در تحلیلی با عنوان: «چگونه می‌توان ریسک‌های فراندم کردستان عراق را کاهش داد؟» می‌نویسد: فراندم اقلیم کردستان بیش از آن که بازتاب پوشش پایدار و تاریخی به سوی تشکیل دولت کردی باشد، نشانگر بحران‌هایی است که عراق را احاطه کرده است. به اعتقاد وی صرف‌نظر از وضعیت آینده اقلیم، اولویت برای کردهای عراق باید برقراری و حفظ نظم و امنیت در داخل باشد و نه بهره‌برداری از آشوب‌های منطقه‌ای که خود آن‌ها نیز نسبت به آن آسیب‌پذیر هستند. رهبران سیاسی کرد باید از روشن شدن آتش منازعه با بغداد و سایر قومیت‌های غیر کرد اجتناب ورزند و مهم‌تر این که این رهبران باید طرحی را برای کردستان عراق در سر داشته باشند که تمامی جنبش‌های سیاسی و اقلیت‌های غیر کرد به یک میزان در آن سهم باشند. آلدو لیگا (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «اسرائیل و خواست کردستان عراق برای استقلال» می‌نویسد: از نقطه‌نظر اسرائیل، شکل‌گیری دولت کردی مستقل در شمال عراق به کم‌رنگ شدن تهدیدات منطقه‌ای کمک خواهد کرد و به مثابه یک سپر دفاعی علیه نفوذ ایران عمل خواهد کرد و طرح «هلال شیعی» مورد نظر ایران که این کشور را به عراق، سوریه و حزب‌الله لبنان پیوند می‌دهد را ناکام خواهد گذاشت. از نظر وی،

اسرائیل ناامیدانه در پی یافتن دوستانی در منطقه است و اقلیم از این حیث گزینه مناسب برای این کشور است. کردستان مستقل می‌تواند پایگاهی برای اقدامات اسرائیل بر علیه ایران از طریق جمعیت کرد این کشور باشد. از سوی دیگر کردها مدت‌هاست اسرائیل را همچون شریک منطقه‌ای استراتژیک خود در زمینه اقتصادی و سیاسی به شمار می‌آورند.

۱. چهارچوب مفهومی و روش پژوهش؛ آینده پژوهی

آینده‌پژوهی را معادل اصطلاح «Future Studies» در نظر گرفته‌اند. این روش، تفکرات فلسفی و روش‌های علمی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید، لذا آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است (Naserabadi, 2000, p.25). آینده‌پژوهی، می‌کوشد تا معرفت و اندیشه‌ای آینده‌نگرانه را در میان بخش‌های قدرت، دانش، تجارت، دولت و نهادهای آموزشی، برای درک فرصت‌ها و تهدیدهای محتمل طی ۱۰ تا ۲۰ سال آینده، در عرصه اجتماع، فرهنگ، سیاست، بازار و تکنولوژی‌ها، ایجاد کند؛ و آن‌گاه با ایجاد و تقویت همکاری میان این سه بخش به جهت‌دهی فعالیت‌های آنان در راستای اهداف تعیین شده بپردازد (Kenan, 2003, pp.8-12). نخستین فعالیت آینده‌پژوهی به صورت علمی، در سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۳ میلادی توسط گروهی از پژوهشگران به سرپرستی «ویلیام اف. آگبرن»^۱ در زمینه جامعه‌شناسی در آمریکا انجام شد. آینده‌پژوهی در مقام فعالیتی عمومی، از دهه ۱۹۶۰ میلادی آغاز شد، «برتراند دژوونل»^۲، نخستین پژوهش نظری را تحت عنوان «هنر گمان» نوشت، او در این زمینه با اشاره به این که «هیچ واقعیتی در مورد آینده وجود ندارد»، به این نتیجه رسید که یافتن مدارک و استنتاجات برای آینده، نیازمند روش‌هایی غیر متداول است (Samiee Esfahani & Shafiee Seifabadi, 2015, p. 203). لازم به ذکر است که می‌توان آینده را به سه گروه اصلی تقسیم‌بندی کرد، الف) آینده ارجح: به معنای در نظر گرفتن مطلوب‌ترین رویدادها برای وقوع در آینده. ب) آینده محتمل: یعنی در نظر گرفتن رویدادهایی که بیشترین احتمال را برای وقوع در آینده دارند. این رویدادها می‌توانند به صورت بسط روندهای گذشته در آینده (به طرق مختلف) در نظر گرفته شوند (Mozafari, 2009, p. 35). ج) آینده ممکن: یعنی در نظر گرفتن کلیه رویدادها اعم از بد یا خوب، محتمل یا ضعیف‌الامکان و غیره که می‌توانند در آینده اتفاق بیفتند.

1. William F.ogburn
2. Bertrand de Jouvenel

در روش آینده‌پژوهی، تکنیک‌های مختلفی برای مطالعه آینده وجود دارد مانند دیده‌بانی آینده، روش دلفی، تجزیه و تحلیل روندها، تجزیه و تحلیل پیشرانها، نقشه‌ی راه، پس‌نگری، تبارشناسی، ریخت‌شناسی، تحلیل محتوی، الگوسازی و شبیه‌سازی و سناریوپردازی. سناریونویسی، به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی عبارت است از شرح رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط معین، ممکن است روی دهند. سناریو شامل تصاویری از آینده مطلوب، محتمل و ممکن است که هدف از بکارگیری آن‌ها مورد آزمایش قرار دادن عملکرد سیاست‌ها و استراتژی‌های اتخاذ شده در برابر چالش‌های موجود آینده با ایجاد و ترسیم فضایی از ممکنات است. بدین منظور، سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو، در خدمت تدوین استراتژی‌ها قرار می‌گیرند. سناریوها تنها به حدس زدن در مورد آینده اکتفا نمی‌کنند، بلکه به ما کمک می‌کنند که چگونه در شرایط محیطی متفاوت آینده، بیندیشیم و به تصمیم‌گیری و مدیریت آینده پردازیم (Makridakis & Wilberlyth, 1989, p. 215). هدف سناریونویسی، شکستن محدودیت‌ها و واگراها، گسترش تفکر در مورد آینده و عریض‌تر کردن طیف آلترناتیوهای است که می‌تواند مدنظر ما باشد (Martin, 1982, p. 123; Chermak, 2004, p.261). در رابطه با نقاط قوت سناریونویسی باید گفت که روشن کردن دید خواننده نسبت به موضوع، معنا بخشیدن به نقاط منفرد و به حداقل رساندن کاستی‌های مطرح در تصمیم‌گیری از جمله موارد مطرح هستند اما عدم قطعیت در نتیجه-گیری، ندادن یک پاسخ برای هر تصمیم، گرایش بیش از اندازه به کلیات و کاهش قوه شهودی برای پیدا کردن راه‌حل از نقاط ضعف وارده بر سناریونویسی می‌باشد (Chermak, 2005, p. 525). پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف و همچنین داده‌های در دسترس، از میان روش‌های مختلف آینده‌پژوهی که در بالا اشاره شد از روش سناریونویسی بهره گرفته است. سناریوهای این پژوهش ترکیبی از سناریوهای هنجاری^۱ و اکتشافی^۲ با تمرکز بر دو روش «ذهن‌محور»^۳ و «بازیگر محور»^۴ تدوین یافته است. در روش «ذهن‌محور»، ذهن انسان پس از پذیرش انبوه داده‌ها به طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل این داده‌ها پرداخته و هر یک را در جای مناسب خود قرار می‌دهد. «آشفته‌گی فکری»^۵ یا [طوفان مغزی] یکی از مسائل شناخته شده در این روش است که در جای خود می‌تواند باعث ایجاد ایده‌های نوین گردد. در این روش نویسنده

-
- 1- Normative Scenarios
 - 2 - Exploratory Scenarios
 - 3- Mind-Center
 - 4 - Actor- Center
 - 5- Brain Storming

مجموعه‌ای از اهداف کمی و کیفی را مد نظر قرار می‌دهد. در روش «بازیگر محور»، بیشتر اتفاقاتی که در این دنیا رخ می‌دهند را با توجه به تعامل میان بازیگران مختلف و بر حسب عملکرد، انگیزه‌ها و اهداف آن‌ها تفسیر می‌کنند؛ بنابراین با نگاه آینده‌نگر به بازیگران و بازی‌ها می‌توان به نقش این بازیگران پی برد. سختی این کار، پیش‌بینی حرکت بعدی یک بازیگر روی صحنه، فهم استراتژی پنهان در پسا ذهن او و پیش‌بینی بازیگران بعدی آن است؛ اما روش بازیگر محور مزیت‌های بسیاری چون اطلاع از راه‌های مختلف پیش بردن داستان را دارا می‌باشد و مشخص می‌کند که آینده از پیش تعیین شده نیست و همه چیز به طور یکنواخت و ثابت حرکت نخواهد کرد (Tisheyar, 2012, p.145).

بدین ترتیب، سناریوهای این پژوهش با استفاده از تکنیک «آشفته‌گی فکری» و بر مبنای اهداف و نقش بازیگران فراندوم کردستان چون کردستان عراق و کشورهایمانند عراق، ایران، ترکیه، آمریکا و متحدان غربی آن، اسرائیل و عربستان، در سه دسته سناریوی مطلوب و محتمل و ممکن ساماندهی شده است: الف) سناریوهای مطلوب شامل: ۱) انجام مذاکرات اقلیم کردستان با دولت مرکزی عراق، ایران، ترکیه و آمریکا و متحدان غربی آن به دست آمدن توافقی در اعلام استقلال و پذیرش آن از سوی دیگر کشورها، ۲) استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از منابع انرژی و توانمندی‌های اقتصادی اقلیم (اربیل) در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تاثیرگذاری بر کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی آینده ب) سناریوی محتمل شامل ۱) میانجیگری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در ادارات مناطق مورد مناقشه و کسب امتیاز سیستم کنفدرال برای عراق در ازای تعویق یا کنار گذاشتن استقلال کردستان عراق ۲) اعلام فوری استقلال کردستان عراق پس از شکست مذاکرات احتمالی با حکومت مرکزی عراق، دولت‌های منطقه‌ای و فرماندهان (ج) سناریوی ممکن: ایجاد کردستان بزرگ به نگارش درآمده است. شیوه اجرای پژوهش نیز عمدتاً کتابخانه‌ای است. داده‌های مورد نیاز پژوهش جهت تحلیل نیز از کتب، مقالات، پایگاه‌های اطلاعاتی علمی فارسی و لاتین و همچنین مصاحبه حضوری با کارشناسان صاحب نظر در مسائل اقلیم کردستان عراق استخراج گردیده است. در نهایت سناریوها بر پایه این داده‌ها و نظرات کارشناسان مربوطه، طبقه‌بندی، پیش‌بینی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۲. سیر تاریخی حرکت کردها به سمت خودگردانی

به لحاظ تاریخی، سیر تحول خودگردانی کردها را می‌توان به سه مرحله متمایز تقسیم‌بندی کرد. ۱- مرحله فنودالی و قبیله‌ای که از زمان عثمانی‌ها و توسط امیر بدرخان در سال ۱۸۴۴ میلادی آغاز شد و با شکست او نیز به پایان رسید. ۲- مرحله مذهبی که توسط شیوخ، رهبری می‌شد و آغازگر آن شیخ عبیداله بود. وی با تسلط بر بسیاری از مناطق کردنشین، شامل «محدوده‌ای میان دیاربکر، وان، ارومیه، مهاباد،

اربیل، موصل و کامیشلو» حکومت دوفاکتویی را ایجاد کرد و تا مدت زمان بسیاری به عنوان دولت کردی مطرح شد. ۳- مرحله سیاسی که با تشکیل انجمن‌ها در اوایل قرن بیستم و تشکیل احزاب سیاسی پس از جنگ جهانی دوم، از جمله حزب هیوا در عراق «۱۹۴۱»، کومله عراق «۱۹۴۲»، دموکرات کردستان در ایران «۱۹۴۵»، دموکرات عراق «۱۹۴۶» و حزب کارگران کردستان موسوم به «پ. ک. ک.» در ترکیه توسعه پیدا کرد (Kuchra, 1998, pp. 9-22). جنبش سیاسی خودگردانی کردها در ترکیه و ایران به دلیل اقتدار سیاسی دولت مرکزی به شدت ضعیف شد ولی در عراق با تلاش ملامصطفی بارزانی و نیز در پرتو منازعه ایران و عراق ادامه پیدا کرد. سرانجام دولت عراق طی ملاقات صدام‌حسین و بارزانی طرح خودمختاری کردستان عراق را در مارس ۱۹۷۰ و در ۱۳ بند اعلام نمود؛ اما به دلیل امضاء قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، دولت عراق از اجرای آن خودداری نمود (Nazamian, 2002, pp. 242-249). به دنبال حوادث حلبچه و عملیات انفال بر علیه کردها در سال ۱۹۸۸ میلادی، احزاب و رهبران کرد عراق، «جبهه کردستان» مرکب از چندین حزب به ویژه «اتحادیه میهنی کردستان» به رهبری طالبانی و «حزب دموکرات کردستان» به رهبری بارزانی را تشکیل دادند و در سایه قطعنامه ۶۸۸ شورای امنیت سازمان ملل، زمینه برای استقرار و رشد خودگردانی، همچنین تأسیس منطقه آزاد و پرواز ممنوع در شمال عراق فراهم گردید و حکومت خودگردان به صورت دو فاکتو فعالیت خود را آغاز کرد.

۳. عوامل تاثیرگذار در تبیین آینده‌رفراندوم استقلال اقلیم کردستان

امروزه در باب آینده اقلیم کردستان، هر یک از نظریه‌پردازان، با توجه به پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌های خود، تحلیلی متفاوت ارائه می‌دهند. این در حالی است که در تحلیل آینده اقلیم کردستان، باید با دیدی جامع و فراگیر نسبت به موضوع مورد بحث، به نکاتی توجه کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱. اقتصاد اقلیم کردستان و نوسانات حاکم بر آن

اقلیم کردستان با تکیه بر درآمدهای نفتی، کشاورزی، دامداری و گردشگری، موفق به کسب استقلال قابل توجه در امر اقتصادی شده و به صورت یک‌جانبه با شرکت‌های نفتی چون «اکسون موبیل»^۱ و «شیفرون»^۲ جهت اکتشاف، استخراج و صادرات نفتی همکاری کرده است (Stansfield, 2013, p.268). منطقه مذکور به عنوان ششمین ذخیره نفت جهانی با دارا بودن بیش از ۱۴ حلقه چاه نفت و ۴۵ میلیارد بشکه نفت و ۶/۳ تریلیون مترمکعب گاز نه تنها یک چهارم نفت عراق را تولید می‌کند؛ بلکه با افزایش میزان تولید نفت این منطقه از ۳۰۰ هزار بشکه (سال ۲۰۱۳) و ۸۵۰ هزار در روز (در شش ماه اول ۲۰۱۵) به یک میلیون بشکه در (شش ماه دوم سال ۲۰۱۵) در پی رونق اقتصادی این منطقه است (Resources, 2015). این مقدار از ذخایر نفتی و گازی می‌تواند کردستان عراق را بعد از جدایی به کشوری با ذخایر نفتی بیشتر از اغلب اعضای اوپک تبدیل نماید. در حال حاضر اقلیم کردستان، لوله‌های نفتی خود را از طریق بندر جیهان در ترکیه به مناطق مختلف جهان صادر می‌کند. در بخش کشاورزی به‌رغم عدم سرمایه‌گذاری مناسب، ۲۸ درصد از کل مساحت اقلیم زیر کشت است که در مقایسه با کشورهای خاورمیانه از وضعیت بهتری برخوردار می‌باشد (Atrash, 2014). با این وجود، مشکلات اقلیم کردستان در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. چراکه بخش عمده‌ای از درآمدهای کردستان عمدتاً به منابع غیرمولد چون صنعت گردشگری، فروش نفت، قاچاق سوخت، لوازم خانگی، پوشاک و... وابسته است (Nouriasl, 2016). منابعی که برای اداره کشور مستقل ناکافی به نظر می‌آید. علاوه بر آن، ظهور داعش موجب افزایش هزینه‌های امنیتی، نظامی، آوارگی بیش از دو میلیون نفر در منطقه اقلیم کردستان و سقوط ناگهانی بهای نفت در اواسط سال ۲۰۱۴ میلادی گردید و ضربه سختی به اقتصاد کردستان وارد نمود. چراکه طبق گزارش بانک جهانی، اقلیم کردستان ۸۵ درصد درآمد خود را از طریق فروش نفت به دست می‌آورد.

۳-۲. وضعیت سیاسی اقلیم کردستان

قرار گرفتن سیستم حکومتی اقلیم کردستان بر مبنای جمهوری پارلمانی، تکثر سیاسی و قوای سه‌گانه قوه مقننه، مجریه و قضائیه (Mohammadiani & Torabi, 2017, p. 137)، فرستادن نماینده به خارج، وجود کنسول‌گری‌هایی از کشورهای در داخل اقلیم، همچنین ارتباط سیاسی با سایر کشورها بدون هماهنگی با بغداد همه‌گی نشان‌دهنده این است که این اقلیم از آزادی عمل زیادی برخوردار است. به

1. Exxon Mobil
2. Chevron

طوری که گام‌های مهمی چون تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات، نهادسازی سیاسی، انتخاب پرچم، رسمی نمودن زبان کردی و ... برداشته است. تقریباً تمامی مقامات دولتی خارجی و نهادهای بین‌المللی که به بغداد سفر می‌کنند با مقامات این منطقه نیز دیدار می‌کنند (Yaldiz, 2012, p. 304). حفظ ثبات و امنیت حکومت جهت حفظ پایه‌های قانونی ساختار سیاسی از برنامه‌های راهبردی اقلیم در سه دهه گذشته بوده است. این سیستم حکومتی، صلاحیت مربوط به اجرای قوانین و لوایح مصوب پارلمان کردستان و محافظت از امنیت و ثروت اقلیم و ایفای نقش عمده در اداره حکومت فدرال عراق را دارا می‌باشد (Hafeznia et al., 2010, pp. 210-211)؛ بنابراین سیستم سیاسی و اداری حاکم بر اقلیم کردستان به نوبه خود می‌تواند، همچون پتانسیلی قوی اقلیم کردستان عراق را به سمت استقلال‌خواهی سوق دهد.

۳-۳. نیروی نظامی - دفاعی (پیشمرگه)

نیروی نظامی، امنیتی و اطلاعاتی اقلیم کردستان با نام «پیشمرگه‌های کرد» و توان ۱۱۰ هزار نفری (Nami & Mohammadpoor, 2008, p.510) پس از تهاجم داعش به عراق، آرایش جدیدی به خود گرفت. اعزام نیرو به کوبانی، حمایت از نیروهای کرد سوریه و یگان‌های مدافع خلق در برابر داعش و کسب حمایت‌های ائتلاف بین‌المللی علیه داعش، نشان از اهمیت و تاثیرگذاری آن‌ها دارد. در حال حاضر نیروی مذکور از قابل‌اتکاترین نیروی زمینی در جنگ با داعش محسوب می‌شود.

۴-۳. اهمیت ژئوپلیتیک کردستان عراق

ژئوپلیتیک کردستان عراق نقش دوگانه‌ای در حیات سیاسی این منطقه ایفا کرده است. این مولفه جغرافیایی مهم، گاهی در مقام یک منبع حیاتی برای استقلال کردستان ظهور کرده است و در مواردی یکی از موانع مهم در تشکیل دولت مستقل کردی از فروپاشی عثمانی تاکنون بوده است. کردستان عراق، در محل تلاقی ایران، عراق، ترکیه، سوریه و ارمنستان قرار دارد. این سرزمین هارتلند خاورمیانه است و به لحاظ ژئوپلیتیک انرژی، اهمیت فراوانی دارد (Mohammadi & Khalidi, 2011, pp. 40-41). این امر می‌تواند به ایجاد موازنه قدرت با رقبا در سطح منطقه‌ای و جهانی در راستای تأمین امنیت و حفظ و گسترش منافع ملی بینجامد. وجود کوه‌های اطراف کردستان به عنوان عمق استراتژیک و توان محافظت طبیعی کردها به شمار رفته و از لحاظ نظامی شایان توجه است (Mobarak shahi, 2015, p. 86).

۵-۳. قانون اساسی عراق

قانون اساسی عراق که در سال ۲۰۰۵ تدوین و به همه‌پرسی عمومی گذاشته شد، جمهوری عراق را کشوری مستقل با سیستم حکومتی جمهوری پارلمانی و فدرالیته معرفی کرده است (Iraqi constitution,)

(2013). وجود فدرالیسم به عنوان یک اصل کلی در قانون اساسی جدید عراق می‌تواند مسیر حرکت کردهای این کشور به سمت خودمختاری را هموارتر نماید.

۳-۶. انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ عراق

دومین انتخابات پارلمانی عراق در مارس ۲۰۱۰، با مشارکت ۶۲ درصد مردم برگزار گردید. ویژگی‌های این انتخابات چون «برگزاری انتخابات بر اساس لیست باز، مشارکت بالای مردم عراق از تمامی گروه‌های قومی - فرقه‌ای، برهم خوردن ائتلاف‌های سیاسی گذشته و ایجاد برخی تغییرات در انتخابات آن را از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵ متفاوت ساخت» (Asadi, 2009, pp. 33-48). با این حال، نتیجه انتخابات نشان داد که آرای مردم عراق و گروه‌های سیاسی بر ادامه شکاف و گروه‌بندی‌های قومی - فرقه‌ای تاکید دارد. به طوری که صحنه سیاسی و حکومتی عراق، هم‌اکنون شاهد حضور سه ائتلاف تحالف وطنی (شیعه) اتحاد القوی العراقیه (سنی) و تحالف کردستانی می‌باشد. هر یک از این ائتلاف‌ها به دلیل اختلافات شدید و جدی بین احزاب تشکیل‌دهنده ائتلاف، عدم برخورداری از انسجام و هماهنگی درونی لازم و وجود روابط متغییر در میان احزاب متعدد عضو سعی می‌کنند، هم‌پیمانی خارج از ائتلاف برای خویش جهت توافق پیدا نمایند؛ بنابراین با توجه به اینکه چهارمین دوره انتخابات پارلمانی عراق در ۱۲ می ۲۰۱۸ برگزار خواهد شد، باید برای دوره جدید نیز منتظر پیدایش آرایش جدید در صحنه سیاسی عراق بود.

۳-۷. مناطق مورد مناقشه بین بغداد - اربیل

استان نفت‌خیز کرکوک یکی از چالش‌های اساسی حکومت اقلیم کردستان با دولت مرکزی است. به دلیل سیاست‌های ملی‌گرایی عربی رژیم بعثی و جایگزینی عرب‌ها به جای کردها در کرکوک (Haghpanah, 2008, pp. 65-66) کردها بر ادعای تاریخی در این استان پافشاری می‌کنند. در واقع پس از بیرون راندن داعش از استان کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه توسط کردها، در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۱۷، شورای استان کرکوک با اکثریت آراء رأی به برافراشتن پرچم کردستان در مراکز و ادارات دولتی این استان داد. در همین راستا، پارلمان عراق درباره برافراشته شدن پرچم کردستان در استان کرکوک، رأی‌گیری و مخالفت خود را با این مسئله اعلام نمود (ISNA News Agency, April 13, 2017)؛ اما با وجود مخالفت‌های پارلمان و گروه‌های غیرکرد ساکن، کردها مصمم به انجام رفراندوم در کرکوک و سایر مناطق مورد مناقشه با بغداد بوده و در صدد بازگرداندن این مناطق به اقلیم کردستان هستند.

۳-۸. بحران سیاسی در کردستان عراق:

تعطیلی فعالیت پارلمان حکومت محلی، پایان یافتن ریاست مسعود بارزانی بر اقلیم کردستان، ائتلاف دو گروه «اتحادیه میهنی» و «جنبش تغییر» و تصاحب اکثریت کرسی‌های مجلس اقلیم گردیده و سلب اکثریت پارلمانی از «حزب دموکرات» از بحران‌های سیاسی کردستان است. «نوشیروان مصطفی» رئیس «جنبش تغییر» اعلام نمود: «این ائتلاف می‌تواند، توازن سیاسی در اقلیم را از راه‌های قانونی تغییر دهد» (Wtekan, 2016). به نظر می‌رسد که این امر به معنی پایان دادن به ریاست «حزب دموکرات» بر اقلیم کردستان خواهد بود.

۳-۹. عدم اجماع و اختلافات گروه‌های سیاسی در اقلیم کردستان

اختلافات دیرینه فکری و ایدئولوژی و اختلاف بر سر نحوه تصمیم‌گیری در مورد مسائل مهم کردستان منجر به جنگ داخلی ۱۹۹۴-۱۹۹۸ میان دو حزب «دموکرات» به رهبری «مسعود بارزانی» و «اتحادیه میهنی» به رهبری «جلال طالبانی» گردید. هم‌اکنون از بین پنج حزب اصلی اقلیم کردستان عراق، یعنی حزب دموکرات (پارتی) اتحادیه میهنی (یه‌کیه‌تی)، جنبش تغییر (گوران)، اتحاد اسلامی (یه‌کگرتوو) و جماعت اسلامی (کومله‌له‌ی ئیسلامی)، قدرت اصلی و اختلاف اساسی مابین سه حزب دموکرات (پارتی) اتحادیه میهنی (یه‌کیه‌تی) و جنبش تغییر (گوران) است. «مسعود بارزانی» رئیس «حزب دموکرات» زمان کنونی را بهترین زمان برای برگزاری رفراندوم برای استقلال می‌داند؛ اما احزابی مانند «جنبش گوران» و «اتحادیه میهنی» در مورد نحوه تعامل با دولت عراق و مسائلی مانند درآمد نفتی اقلیم، ریاست بارزانی بر اقلیم، عملکرد اقتصادی و... با یکدیگر اختلاف دارند (Nouriasl, 2016).

۳-۱۰. همه‌پرسی استقلال کردستان و اعلام مخالفت دولت مرکزی و سایر گروه‌های عراقی با آن

دولت مرکزی و سنی‌ها از جمله بزرگ‌ترین مخالفان برگزاری همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق هستند و آن را مغایر مفاد قانون اساسی کشور می‌دانند. شیعیان نیز با حمایت از فدرالیسم سیاست سکوت را درباره آینده استقلال کردستان در پیش گرفته‌اند. در واقع ایجاد منطقه فدرال در جنوب عراق که شیعیان ساکن آن هستند به مانند اقلیم کردستان در شمال عراق، سبب می‌شود تا سنی‌ها در مناطق مرکزی فاقد نفت، محاصره شده و گرفتار شوند (Azghandi & Karami, 2007, pp. 17-18)؛ بنابراین، استقلال اقلیم کردستان به معنای تجزیه عراق و از دست رفتن ذخایر نفت و گاز است که خوشایند دولت عراق و سایر گروه‌های غیر کرد نیست.

۳-۱۱. فقدان یک حکومت محلی قدرتمند در اقلیم کردستان

«مسعود بارزانی» در شرایطی همه‌پرسی استقلال را اعلام می‌کند که به دلیل عدم وجود حکومت محلی واحد، اوضاع داخلی برای همه‌پرسی مساعد نیست. چراکه «حزب دموکرات» با احزاب هم‌پیمان خود بر استان‌های دهوک و اربیل و «اتحادیه میهنی» با احزاب هم‌پیمان خود بر استان‌های سلیمانیه، کرکوک، حلبچه و منطقه گرمیلان تسلط دارند و این دو مرکز قدرت، نواحی مختلف کردستان را به دو قطب مقابل هم تقسیم کرده است (Hasan, 2017, pp. 4-5).

۳-۱۲. اختلافات منطقه‌ای کردها

کردهای عراق و به‌خصوص «دموکرات‌ها» سال‌هاست که با «پ.پ.ک» بر سر میزان نفوذ در مناطق کردنشین عراق و سوریه، روابط بارزانی با ترکیه و رقابت برای جذب ایزدی‌ها دارای اختلافات تاریخی و ایدئولوژیک هستند (AjansHabar, 2016) و عمدتاً روابط سرد و پرتنش بین این دو حزب حاکم بوده است.

۴. رفراندوم اقلیم کردستان و چالش‌های پیش روی آن

با وجود همه فشارها و مخالفت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، سرانجام رفراندوم استقلال اقلیم کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار گردید و از طریق اتحاد نسبی اکثر احزاب و جریان‌های سیاسی و سرسختی «مسعود بارزانی» با کسب ۹۲/۷ آراء موافق به سرانجام رسید. پس از برگزاری این همه‌پرسی، حکومت اقلیم با واکنش گسترده مخالفان داخلی رفراندوم، بسته شدن مرزهای هوایی با همسایگانی چون ایران و ترکیه و درگیری میان نیروهای اقلیم و دولت مرکزی عراق در کرکوک روبرو گردیده است. مخالفان داخلی این رویداد سیاسی از طریق کانال‌های رادیویی و تلویزیونی به تشکیل کمپین «نه» و برگزاری میتینگ‌های مختلف پرداخته‌اند تا از این طریق مانعی بر سر راه جدایی کردستان و تجزیه عراق گردند (Blanchard, 2017, p.1). در بیان چرایی برگزاری این رفراندوم، دلایل متعددی را می‌توان ذکر کرد که هر کدام به‌تنهایی علت تامه انجام این رفراندوم نیستند و مجموع آن‌ها فضای سیاسی امروز عراق را وارد بحران جدیدی کرده است.

وجود قوم‌گرایی افراطی و گسست با ملیت‌گرایی عراقی در میان کردهای عراق، برخوردهای ناشایست حاکمیت مرکزی عراق در گذشته با کردها، اوضاع نامساعد اقتصادی، نابسامانی در وصول درآمد حاصل از فروش نفت و فساد اداری حاکم در این منطقه، تبدیل شدن رهبری اقلیم به چهره‌ای «کاریزماتیک» و تحریکات بیرونی به‌خصوص رژیم صهیونیستی سبب برگزاری رفراندوم ۲۵ سپتامبر از سوی سیاست-گذاران اقلیم گردید؛ اما در صورت کسب استقلال، آینده مبهمی برای اقلیم کردستان در انتظار است.

چراکه، فضای سیاسی - اجتماعی امروز اقلیم، در مسائلی چون دموکراسی، بوروکراسی، امنیت، اقتصاد، سیاست، با مشکلات قابل توجهی روبروست که به واگرایی‌های داخلی آن دامن زده و منجر به از دست رفتن مشروعیت «مسعود بارزانی»، تعطیلی پارلمان و تبعید رئیس آن، افزایش فساد دولتی، حادث شدن اختلافات میان مسئولین، قطع شدن حقوق بیش از یک میلیون کارمند و رکود فعالیت‌های تجاری و تقسیم نیروهای نظامی کرد میان دو حزب «دموکرات» و «اتحادیه میهنی» شده است. در بعد منطقه‌ای نیز، وجود اختلاف و اصطکاک در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سه ضلع مثلث ایران، ترکیه و اعراب فرصتی مهم برای کردهای عراق جهت انجام رفراندوم و طی طریق با این کشورها فراهم کرده است اما در صورت ایجاد ثبات در روابط بین آن‌ها مانع مهم دیگری برای استقلال خواهی کردها ایجاد خواهد شد.

۵. سناریوهای مطرح در مورد آینده سیاسی اقلیم کردستان عراق

۵-۱. آینده مطلوب

۵-۱-۱. سناریو مطلوب اول: انجام مذاکرات اقلیم با دولت عراق، ایران، ترکیه، آمریکا و متحدان غربی آن و اعلام استقلال کردستان با تکیه بر دلایلی چون، هم‌نوا شدن تقریبی جامعه جهانی با کردها، تبدیل شدن به بازیگر مؤثر در منطقه به دلیل شرایط حاکم، برخورداری از انسجام بیشتر نسبت به ادوار قبلی و کسب جایگاه مناسب در افکار عمومی جهان می‌توان گفت که کردهای عراق در بهترین وضعیت جهت دستیابی به استقلال هستند. هرچند اتحادیه میهنی «یه کیه تی»، به‌رغم اختلاف نظرهای گسترده میان رهبران تا پایان رفراندوم، حزب دمکرات «پارتی» را همراهی نمود و برخی شخصیت‌های آن مانند «کوسرت رسول»^۱ و «نجم‌الدین کریم آ» در الحاق کرکوک به پروسه یاد شده نقش مهمی ایفا کردند، بنابراین مسعود بارزانی و همسلکانش با برخورداری از این حمایت و با استفاده از منافع کشورهای مخالف با استقلال کردستان عراق، می‌توانند به موفقیت نزدیک شوند. چراکه به‌رغم مخالفت‌های کشورهای ایران، ترکیه، عراق، آمریکا و متحدان غربی اش با این استقلال، هرکدام منافع مهمی در اقلیم کردستان دارند که رهبران اقلیم می‌توانند با استفاده از این منافع وارد مذاکرات با این کشورها شده و موافقت آن‌ها مبنی بر استقلال کردستان عراق را کسب نمایند.

در سطح داخلی، جدایی کردستان از عراق همان‌طور که برای کشورهایی چون ایران و ترکیه می‌تواند سودمند باشد برای خود دولت عراق نیز اثرات مثبتی مانند عواید صادرات نفت، حل اختلافات در نواحی

1. Kosrat Rasul
2. Najmedin Kerim

مورد مناقشه چون کرکوک، اجتناب‌ناپذیر بودن استقلال و جدایی کردستان، جلوگیری از ایجاد یک دشمن جدید در مرزهای عراق، توسعه روابط دوجانبه قوی، تلاش برای کاهش خسارات و تأثیرات منفی از دست رفتن مناطق شمالی کردنشین عراق از طریق مذاکره و توافق، بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی و سیاسی ناشی از تبدیل شدن عراق به پل ارتباطی بین کردستان با جهان عرب در صورت استقلال این منطقه داشته باشد. در بعد خارجی ایران و ترکیه یکی از گزینه‌های مهم جهت انجام مذاکرات است. «پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان ایران و کردهای عراق و برخورداری از عمق استراتژیک بیشتر جمهوری اسلامی در مقایسه با کشورهایی مانند اسرائیل و ترکیه نشان می‌دهد که نزدیکی اقلیم به ایران به امنیت پایدارتر و کاهش هزینه‌های ناشی از استقلال می‌انجامد» (Ahmadi, 1998, p. 85). برگزاری فراندیم در اقلیم کردستان برای جمهوری اسلامی ایران نیز حائز اهمیت است. ایران شاید از کردستان مستقل که می‌تواند جمعیت کرد ایران را تهییج کند، راضی نباشد، اما بنیاد حاکمیت سیاسی جدید از سوی کردهای عراق می‌تواند اثرات سودمندی چون کسب متحد با ارزشی در برابر دولت اسلامی به شدت ضدشعبه، تجارت گسترده و عادلانه با اربیل، دور زدن تحریم‌های بانکی از طریق بازار سیاه وسیع کردستان، داشتن قرابت فرهنگی و تمدنی با ایران و تقویت محیط فرهنگ آریایی در کشورهای حوزه فلات ایران، همکاری متقابل در مبارزه با داعش و محدود نمودن نفوذ اسرائیل و آمریکا در صورت ایجاد روابط گسترده با اقلیم برای تهران به ارمغان آورد. ایران در حال حاضر با حفظ کنسولگری و پیوندهای اقتصادی‌اش با اقلیم کردستان، با وجود اعتراض شدید بغداد، نشان داده است که به‌رغم عدم رضایت تهران از استقلال کردها ممکن است در واکنش خشن در برابر کردستان مستقل، تردید کند.

ترکیه مخالفت دیرین خود با استقلال کردهای عراق را به دلایلی چون، ضرورت‌های اقتصادی خود در حوزه تأمین انرژی و تجارت و بی‌ثباتی‌های سیاسی فزاینده در عراق و سوریه کنار گذاشته است (Hafezina, 2006, p. 86). ترکیه در یک کردستان باثبات و خودمختارتر نفع بیشتری دارد. حکومت اقلیم اکنون بزرگ‌ترین بازار صادراتی ترکیه پس از آلمان و منبع مهم برای تأمین نفت و گاز برای اقتصاد رو به رشد ترکیه است. اقتصاد ترکیه با آهنگ سریعی رشد کرده و نیاز آن به انرژی این کشور را به سختی وابسته نفت و گاز روسیه و ایران یعنی حامیان رژیم اسد در دمشق کرده است؛ بنابراین با ایجاد منبع جدید تأمین انرژی ضمن کاهش هزینه و کسب امنیت بیشتر در این امر، می‌تواند وابستگی خود به روسیه و ایران را کاهش داده و در سوریه تهاجمی‌تر عمل کند. همچنین در بعد سیاسی ترکیه به دنبال کسب متحدان کردی در برابر «پ.ک.ک.» است. ترکیه در کنار مخالفت با جدایی‌طلبی پان‌کردی نوعی ناسیونالیسم

کردی را ترغیب یا دست‌کم تحمل می‌کند و اصولاً می‌خواهد اطمینان دهد که اگر شمال سوریه در واقع می‌خواهد منطقه نیمه مستقل کرد باشد، رهبرانش باید پیوندهای نزدیکی با دوستان آنکارا در اربیل و ارتباطی هر چه کمتر با «پ.ک.ک.» داشته باشند. علاوه بر این نقش فعال رهبران اقلیم کردستان برای پایان بخشیدن به منازعات خونین چند دهه اخیر بین آنکارا و کردهای ترکیه نشان می‌دهد که به‌رغم همه مخالفت‌های آنکارا، استقلال کردهای عراق، ترکیه را با مخاطره جدی روبرو نخواهد کرد.

آمریکا و متحدان غربی‌اش نیز کردستان عراق را به دلیل موقعیت استراتژیک و وزن بالای ژئوپلیتیک، وجود نظام سکولار موازی با دموکراسی آمریکایی که در پی اشاعه آن به جهان است، بهره‌مندی از پایگاه مناسب جهت حضور و سرمایه‌گذاری آمریکا و متحدانش و از همه مهم‌تر قابل اتکا بودن نیروی کرد جهت جنگ نظامی و فکری علیه افراطی‌گری و خشونت‌های سازمان‌یافته گروه‌های تندرو اسلامی از جمله داعش، مورد توجه قرار داده است. همراهی و حمایت‌های آمریکا و کشورهای غربی از اقلیم کردستان سبب شده است تا کردها در عراق به موقعیت ممتازی دست یابند. در حال حاضر کشورهای اروپایی در برابر موضوع استقلال کردستان واکنش منفی نشان ندادند و تنها بر سر زمان استقلال با حکومت اقلیم هم-داستان نبوده‌اند؛ بنابراین با توجه به موارد یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که استقلال کردها از طریق توافق چند جانبه بین بغداد، اربیل و کشورهای ایران، ترکیه، آمریکا و متحدان غربی در مقایسه با انتخاب گزینه جنگ و برخورد نظامی، بیشترین منافع ممکن را برای طرفین خواهد داشت و وجود همین منافع سبب خواهد گردید تا کشورها و گروه‌های مذکور به پای میز مذاکرات «اعلام استقلال کردستان» کشیده شوند.

۵-۱-۲. سناریو مطلوب دوم: استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از توانمندی‌های اقتصادی اربیل برای تاثیرگذاری بر کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی آینده

تاریخ تحولات سیاسی معاصر کشور عراق نشانگر آن است که کردها در مقاطع مختلف تاریخی به‌طور خاص در سال‌های ۱۹۱۹، ۱۹۴۳، ۱۹۶۱ و دهه ۱۹۸۰ با بهره‌گیری از مبارزه مسلحانه تلاش‌هایی را برای رسیدن به استقلال انجام داده‌اند و هر بار نه در سطح داخلی موفق بوده‌اند و نه نظم جهانی خواسته‌های آنان را مورد پذیرش قرار داد. با ادامه چنین روندی و پس از سال‌های بعد از ۱۹۹۱ که تحت حمایت قطعنامه ۵۸۸ سازمان ملل، منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق و منطقه خودمختار کردستان عراق به شکل دوفاکتو ایجاد شد (Hawer, Hasan, 2017) حاکمان سیاسی اقلیم کردستان به این نتیجه رسیدند که گذار آن‌ها به سمت استقلال در قالب دعاوی سیاسی، نظامی و حقوقی تا حدود زیادی غیرممکن بوده و نمی‌توانند گشایشی برای رسیدن به آرمان‌هایشان ایجاد کنند در این شرایط که مبارزه مسلحانه و تلاش‌های

دیپلماتیک با نتیجه همراه نبود، رهبران اقلیم کردستان به‌ویژه پس از سقوط رژیم بعث در عراق، جهت هموار نمودن مسیر استقلال رویکرد توسعه اقتصادی و ورود به بازار جهانی انرژی را در پیش گرفتند و زمینه برای حضور سرمایه‌گذاران و کمپانی‌های خارجی جهت سرمایه‌گذاری در حوزه‌های عمرانی و انرژی اقلیم کردستان، گسترش صنعت توریست و توسعه مبادلات اقتصادی در مرز با ایران و ترکیه را فراهم نمودند.

مقامات سیاسی اقلیم کردستان در طی این سال‌ها بر این امر تاکید کردند که ورود سرمایه‌های خارجی به مناطق تحت کنترل آن‌ها، مصونیت از تجاوز نظامی حکومت مرکزی و جلوگیری از تکرار تجربیات تلخ تاریخی کشتار کردها از سوی حکومت‌های مختلف عراق را ممکن می‌سازد. مروری بر وضعیت اقتصادی کردستان از زمان اشغال عراق توسط آمریکا نشان می‌دهد که این منطقه در طی این سال‌ها به لحاظ اقتصادی رشد چشمگیری داشته است. «میزان تولید ناخالص داخلی اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۶ میلادی به بیش از ۲۷ میلیارد دلار رسید. به گونه‌ای که درآمد سرانه در اقلیم ۷۰۰۰ دلار برای هر نفر اعلام شد. کارشناسان یکی از دلایل این رشد فزاینده را وجود امنیت نسبی و ثبات در شهرهای اقلیم در طی این سال‌ها معرفی کرده‌اند» (Hamdi, 2017). به گونه‌ای که دولت اقلیم کردستان به واسطه امنیت نسبی از سال ۲۰۰۶ میلادی توانست قراردادهای متنوعی را با سرمایه‌گذاران خارجی به خصوص در حوزه نفت و گاز منعقد کند. اقلیم کردستان از نظر اقتصادی سه منبع اصلی درآمد دارد؛ منابع انرژی نفت و گاز، درآمدهای گمرکی در مرزهای ایران و ترکیه و درآمدهای حاصل از صنعت توریسم. در این میان کردها بیشتر به درآمدها و قراردادهای نفتی و گازی که با کمپانی‌ها بزرگ جهانی همچون «اکسون‌موبیل»، «توتال»، «گاز پروم»، «روس‌نفت» و... تکیه دارند (Hamidi, 2017). کردها در سال‌های بعد از ۲۰۰۷ بسیاری از شرکت‌های نفتی بزرگ جهان را برای سرمایه‌گذاری در اقلیم کردستان ترغیب کردند و پس از تأیید وجود مقادیر قابل توجه از ذخایر انرژی در این مناطق، تلاش برای صادر کردن نفت اقلیم کردستان به بازارهای جهانی آغاز شد و از اواسط سال ۲۰۱۳ به بعد، فارغ از چند مرحله منقطع کوتاه مدت، حکومت اقلیم کردستان از طریق ترکیه به وسیله خط لوله نفتی به بندر «جیهان»، اقدام به فروش نفت کرد و حاضر به تحویل نفت خود به شرکت ملی بازاریابی نفت عراق موسوم به «کمپانی سومو» نشد. علاوه بر نفت و گاز، حضور قابل توجه گردشگران تا قبل از ظهور داعش و درآمدهای گمرکی حاصل از ورود و خروج کالا در مرز با ایران و ترکیه، سالانه درآمد قابل توجهی برای اربیل فراهم می‌کند.

در شرایط پسارفراندوم کردها می‌توانند با استفاده از این منابع اقتصادی، مسیر رسیدن به استقلال را هموارتر کنند. در تحلیل این موضوع بیش از هر بازیگر دیگری باید به نقش کشور ترکیه به‌عنوان شاهرگ اقتصاد اقلیم کردستان توجه داشت. «بر اساس گزارش‌های موجود از اواسط سال ۲۰۱۴ تا کنون، حکومت اقلیم کردستان روزانه «حدود ۶۰۰ هزار بشکه نفت را از خط لوله اقلیم به بندر «جیهان» در ترکیه صادر می‌کند» (Hacaloglu, 2017). علاوه بر این، توجه به این موضوع بسیار ضروری است که منابع گازی کشف شده در اقلیم کردستان در منطقه سلیمانیه، نگاه آنکارا را به تأمین نیازمندی‌های گازی خود از طریق اقلیم کردستان معطوف کرده است؛ در این زمینه «منابع معتبر» از این امر حکایت دارند که تا سال ۲۰۲۰ مقرر شده بود که حدود ۷۰ درصد از نیازمندی‌های گازی ترکیه از طریق اقلیم کردستان تأمین شود (Hacaloglu, 2017).

با توجه به منافع قابل توجه ترکیه، بی‌شک سران این کشور به دلیل مخالفت با مسئله استقلال، نمی‌توانند از منافع عظیم اقتصادی خود صرف نظر کنند. ترکیه می‌داند که در صورت متوقف کردن صادرات نفت اقلیم کردستان و قطع مبادلات بازرگانی با آن‌ها، با مسئله ورود شرکت‌های جهانی در حوزه انرژی به‌ویژه شرکت‌های روسی به جای آنکارا به بازار انرژی اقلیم کردستان و تلاش کردها برای جایگزین نمودن کشور دیگر به جای ترکیه جهت صادرات نفت و تأمین کالاهای اساسی روبرو می‌شوند. نمود بارز این موضوع را می‌توان امضای قرارداد «اکتشاف گازی شرکت «روس نفت» روسیه، تنها در فاصله چند روز قبل از برگزاری همه‌پرسی و سرمایه‌گذاری میلیارد دلاری روسیه در منابع انرژی اقلیم کردستان مشاهده نمود» (Balmasor, 2017). همچنین منطقه مرزی «خاپور» در امتداد مرزی «کانتون جزیره» در شمال سوریه، می‌تواند جایگزین مناسب به جای بندر «جیهان» ترکیه جهت انتقال نفت و گاز اقلیم کردستان از طریق مناطق کردنشین شمال سوریه به دریای مدیترانه و بازارهای جهانی باشد. می‌توان گفت که این امر برای اردوغان و دولت ترکیه اهمیت دارد و در صورت اعلان استقلال کردستان عراق، آنکارا نمی‌تواند از آن غافل گردد. افزون بر این، در سطح جهانی نیز منابع انرژی اقلیم کردستان به‌ویژه اگر کرکوک نیز در حوزه تحت کنترل آن‌ها باقی بماند، در حوزه معادلات جهانی انرژی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی اقتصاد بین‌الملل نیز نمی‌تواند از منافع و عواید پتانسیل‌های انرژی کردستان عراق غافل باشد. در فضای خاورمیانه، به‌طور حتم معادلات امنیتی برای دولت‌ها بر منافع اقتصادی و همکاری‌های مشترک ارجحیت دارند. بر همین اساس، می‌توان با وجود پتانسیل بالای اقلیم کردستان از نظر اقتصادی-سیاسی برای تحقق استقلال در شرایط پسارفراندوم، بر این امر تأکید کرد که حوادث سیاسی در قالب ملاحظات امنیتی

می‌تواند بسیاری از معادلات را دگرگون کند. با این وجود، پتانسیل اقتصادی اقلیم کردستان عراق، می‌تواند در روزهای پساfrاندوم به‌عنوان اهرم مهم در دست سران کرد باشد و حمله نظامی وسیع به کردستان و یا مخالفت‌های شدید با آن‌ها را کاهش دهد.

۲-۵. سناریوی احتمالی

۱-۲-۵. میانجیگری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در اداره مناطق مورد مناقشه و ایجاد سیستم کنفدرال در ازای تعویق یا کنار گذاشتن استقلال کردستان

با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای فعلی اقلیم کردستان رهبران آن گزینه استقلال را همچنان مورد توجه قرار می‌دهند یا کنفدرالیسم را جایگزین آن خواهند کرد؟ شرایط فعلی اقلیم کردستان از ابعاد مختلف بحرانی است. وضعیت اقتصادی اقلیم با ترک منطقه از سوی اغلب سرمایه‌گذاران خارجی، کاهش قیمت نفت و عدم پرداخت بودجه از سوی حکومت مرکزی روبه‌خامت گذاشته است. در بعد سیاسی نیز شرایط مناسب ندارد. گروه‌های کرد برای اعلام استقلال، نظر واحدی ندارند و حوزه جغرافیایی برگزاری رفراندوم و وضعیت مناطق مورد منازعه از جمله کرکوک از شفافیت لازم برخوردار نیست (Raza, 2017, pp. 1-5). با این وجود «مسعود بارزانی» همچنان بر اجرای همه‌پرسی، اصرار می‌ورزد. میانجیگری بازیگر ثالث پیامدی است که در صورت پافشاری کردستان بر اجرایی کردن نتیجه همه‌پرسی یعنی جدایی از عراق و تداوم اقدامات تنبیهی دولت مرکزی علیه منطقه کردستان می‌تواند صورت پذیرد. بی‌شک میانجی‌گری بازیگر ثالث با دادن امتیازهایی از سوی طرفین همراه خواهد بود. با توجه به شرایط کنونی و با تداوم فشارها، مسعود بارزانی نیز می‌تواند از میانجی‌گری بازیگر ثالث میان اربیل و بغداد، ذینفع باشد. اگرچه کشورهای نظیر ایران، ترکیه، عربستان سعودی، روسیه، فرانسه، انگلیس و آمریکا برای میانجی‌گری میان منطقه کردستان و دولت بغداد اعلام آمادگی کردند، اما به نظر می‌رسد که در نهایت آمریکا یا سازمان ملل متحد می‌تواند میانجی‌گری را انجام دهد. میانجی‌گری بازیگر ثالث می‌تواند به نتایج زیر منتهی شود: پرداخت بودجه عقب افتاده به اربیل، موافقت برای فروش نفت بیشتر توسط اربیل و گفتگو درباره مناطق مورد منازعه مطابق قانون اساسی عراق و لغو یا به تعویق انداختن نتیجه همه‌پرسی از سوی دولت منطقه کردستان. احتمال دیگری که از ورود بازیگر ثالث می‌توان داد تعیین زمان بندی برای جدایی کردستان از عراق است. «مسعود بارزانی»، رئیس منطقه کردستان عراق بارها اعلام کرد که برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق به منزله جدایی فوری این منطقه از عراق نخواهد بود بلکه این جدایی در یک فرآیند دو یا سه ساله رخ خواهد داد. در واقع این بازه زمانی دو یا سه ساله با هدف حل مشکلات طرفین از جمله مناطق مورد منازعه قبل از جدایی کامل مطرح شده است.

اما آنچه که بیش از هر چیز دیگری در تبیین علل برگزاری این referendum از سوی کردها به چشم می‌خورد حرکت کردها به سمت حکومت کنفدرال است (Buzan, 2017). چراکه سران کرد خود به شرایط داخلی اقلیم بویژه در بعد اقتصادی و همچنین رضایت کشورهای همسایه و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان در رابطه با دسترسی به دریا و آب‌های آزاد واقف هستند؛ بنابراین این اصرار نشان می‌دهد که کردها قصد دارند با توجه به ضعف حکومت مرکزی از موضوع استقلال به عنوان کاری برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی جهت به دست آوردن امتیاز کنفدرالی و همچنین تبلیغات سیاسی برای آرام کردن وضعیت نامطلوب اقلیم استفاده نمایند؛ و از این طریق گامی مهم به سمت استقلال برداشته و طی یک برنامه کوتاه‌مدت یا میان‌مدت زیرساخت‌های استقلال‌خواهی خود را فراهم نمایند. سپس طی یک پروسه قانونی و بدون ایجاد تنش بین‌المللی و با یک نظرخواهی مجدد، از عراق جدا شوند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین نتایج میانجی‌گری میان کردها و دولت بغداد، می‌تواند رسیدن کردستان به حکومت کنفدرالی باشد که گزینه مطلوب «مسعود بارزانی» نیز است.

به لحاظ حقوقی دامنه اختیارات و صلاحیت‌های سیستم کنفدرالی گسترده‌تر از سیستم فدرالی است. در نظام کنفدرال هر یک از واحدهای تشکیل‌دهنده مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و تنها در مسئله ارتش، سیاست خارجی و بحث نفت مشترک عمل می‌کنند که نمونه آن را در اتحادیه اروپا شاهد هستیم. نظام کنفدرال امکاناتی نظیر فروش قانونی نفت و گاز بدون نظارت بغداد، حل اختلافات ارضی با بغداد بر سر استان‌های کرکوک، نینوا، دیاله و صلاح‌الدین، اختصاص سهم عادلانه‌ای از منابع مالی دفاعی عراق و کنترل بیشتر روی روابط خارجی را برای کردها فراهم می‌کند. ضمن اینکه در این وضعیت، توسعه اقلیم کردستان به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و در پیش گرفتن برنامه‌های عمرانی آسان‌تر خواهد شد. چنین توافقی همکاری‌های کردها با بغداد را در جنگ علیه گروه‌های تروریستی مانند داعش یا شاخه‌های آینده آن آسوده خاطر می‌کند و امکان دسترسی زمینی عراق به اروپا از طریق کردستان و دسترسی به منابع حیاتی آب را که از کردستان به دیگر بخش‌های عراق جاری هستند، تضمین می‌کند.

هرچند بارزانی اعلام آمادگی جهت ورود به بحث تشکیل نظام کنفدرالی را کرده است، اما باید توجه داشت که ورود به چنین سناریویی بسیار سخت و مشکل‌می‌باشد؛ زیرا نظام سیاسی این کشور، فدرال بوده و حرکت در مسیر کنفدرالی شدن کردستان، اقدامی خلاف قانون اساسی عراق محسوب می‌گردد. با وجود این موانع و مشکلات، وضعیت بحرانی منطقه که ظرفیت بحران دیگری را ندارد و تمایل بازیگران قدرتمند بین‌المللی و منطقه‌ای به جلوگیری از هرگونه تنش جدید در منطقه، مذاکرات را به سمت

سناریوی تشکیل کنفدرال سوق می‌دهند. سناریوی ایجاد کنفدرالیسم در عراق گذار به نوعی سیستم دو دولتی است که در یک طرف آن دولت عراق و در طرف دیگر دولت کردستان قرار می‌گیرد. این دو دولت با تمامی اختیارات یک دولت مستقل در کنار یکدیگر به صورت اختیاری در دولت عراق باقی می‌مانند و هر کدام از این دو در صورتی که تمایل داشته باشند در هر مقطعی می‌توانند به اتحاد اختیاری خود پایان دهند و تجزیه خود را از واحد دیگر اعلام کنند؛ بنابراین طرح کنفدرالیسم نه تنها موجب حفظ یکپارچگی عراق نخواهد شد، بلکه بر اساس آنچه گفته شد در آینده‌ای کوتاه مدت موجبات استقلال کامل اقلیم از عراق و تجزیه این کشور را فراهم خواهد نمود.

۲-۵. اعلام فوری استقلال کردستان عراق پس از شکست مذاکرات احتمالی با حکومت مرکزی عراق و دولت‌های منطقه‌ای و فرماندهی در صورت انجام مذاکرات احتمالی و شکست آن، اعلام فوری استقلال کردستان دور از ذهن نمی‌باشد؛ اما همین مسئله خود پیامدهای سنگینی چون محاصره منطقه کردستان توسط عراق و کشورهای همسایه است. امری که هم‌اکنون تاحدودی به اجرا درآمده است. «دولت عراق در پی مصوبه مجلس این کشور همه مرزهای خود با منطقه کردستان را بسته است. دولت‌های ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نیز حریم هوایی خود را به روی کردستان مسدود کردند. رئیس‌جمهور ترکیه با اعلام «تشدید تحریم‌ها علیه اقلیم کردستان در آینده» عنوان نمود که آنکارا نه تنها مرزهای خود با اقلیم کردستان عراق را به طور کامل می‌بندد بلکه دستور به منع صادرات نفت اقلیم کردستان از طریق اراضی اش را خواهد داد و در صورت لزوم از گزینه‌ای چون مداخله نظامی نیز استفاده خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز مثل کشور همسایه خود، تحریم اقتصادی و بستن مرزها را به عنوان اهرم فشار مد نظر قرار داده است. این مسئله به قدری برای این دو کشور مهم می‌باشد که در کنار مواضع هشدار دهنده خود به سران اقلیم، سعی در افزایش هماهنگی‌های لازم در میان خود جهت مقابله با هر نوع خطر احتمالی در آینده داشته‌اند (Hawramy, 2017). این کشورها معتقد هستند که توافقی‌های مرزی و هوایی صرفاً با محوریت دولت مرکزی بغداد پابرجا خواهد بود زیرا این توافقی‌ها میان دولت عراق و این دولت‌ها منعقد شده است. می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل روی آوردن دولت عراق و مخالفان جدایی کردستان به محاصره و تحریم هوایی و زمینی را تنگنای ژئوپلیتیکی کردستان عراق دانست. «کردستان عراق با قرار گرفتن میان چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه در خشکی محصور مانده و به آب‌های آزاد راه ندارد و استان‌های نفت‌خیز کرکوک، موصل و قسمت‌های اعظم استان دیالی در نزدیکی مرز ایران و ترکیه قرار دارد» (Abdullahpoor, 2017)؛ بنابراین، کردستان برای تعامل اقتصادی و به‌خصوص فروش نفت باید از تنگنای

ژئوپلیتیکی خارج شود که با توجه به مخالفت کشورهای همسایه با جدایی کردستان، خروج از این تنگنا امکان‌پذیر نیست.

این تنگنای جغرافیایی و ادامه محاصره، سبب شدت گرفتن مشکلات اقتصادی در منطقه کردستان خواهد شد. چراکه اقتصاد کردستان از سال ۲۰۱۴ میلادی با سه موج اقتصادی منفی یعنی «اختلاف بر سر میزان بودجه کردستان با دولت مرکزی، افزایش هزینه‌های امنیتی و نظامی در منطقه ناشی از ظهور داعش و در نهایت سقوط ناگهانی نفت در اواسط سال ۲۰۱۴ روبرو است» (Yerevan, 2017). برخی تحلیل‌گران سرمایه‌گذاری نادرست و بی‌رویه، حجیم بودن دولت و تکیه بر اقتصاد نفتی را از عوامل مهم بحران کنونی می‌دانند؛ بنابراین محاصره و تحریم اقتصادی سبب افزایش مشکلات در اقتصادی می‌شود که به گفته محققان «۸۵ درصد درآمد آن از طریق فروش نفت به دست می‌آید و با بدهی میلیارد دلاری و عدم تأمین مایحتاج مردم رو به سمت ورشکستگی است» (Zar Nousheh, 2017). انزوای دیپلماتیکی نیز یکی دیگر از پیامدهای اعلام فوری استقلال است؛ زیرا به استثناء رژیم صهیونیستی، هیچ کشوری از جدایی کردستان از عراق حمایت نکرده و حتی «آنتونیو گوترش»^۱، دبیرکل سازمان ملل نیز با این موضوع مخالفت کرده است؛ بنابراین، اگر اصرار «مسعود بارزانی» بر تشکیل کشور کردی ادامه داشته باشد، صرفاً سبب تضعیف جایگاه کردها در نظام جهانی و انزوای دیپلماتیک کردستان عراق خواهد شد.

تداوم تجزیه‌طلبی کردها «خسونت‌ها و درگیری‌های پراکنده درون‌مرزی» میان کردها و اقلیت‌هایی نظیر ترکمن‌ها را به‌خصوص در مناطق مورد منازعه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و پافشاری بر ضمیمه کردن مناطق مورد منازعه به منطقه کردستان نیز زمینه بروز «جنگ داخلی» در عراق را تقویت خواهد کرد. الگوی رفتاری دولت عراق در برخورد با همه‌پرسی جدایی کردستان گویای این است که دولت مرکزی بغداد به دنبال ایجاد جنگ نیست؛ زیرا این کشور به تازگی توانست با صرف هزینه‌های زیاد جنگ با تروریست‌های داعش را به پایان برساند. با این حال، با توجه به اینکه مناطق مورد منازعه کردستان و دولت مرکزی عراق بخشی از منطقه کردستان نیستند و تحت کنترل دولت مرکزی بغداد قرار دارند و همچنین به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی این مناطق به‌خصوص کرکوک که پس از بصره، بیشترین چاه‌های نفتی در این استان قرار دارد، در صورت ضمیمه کردن آن‌ها به اقلیم کردستان امکان جنگ میان کردها و دولت مرکزی افزایش می‌یابد. در همین راستا نیز طی روزهای ۱۵ و ۱۶ اکتبر درگیری‌هایی میان نیروهای

1. Antonio Guterresh

پیشمرگه و نیروهای نظامی و امنیتی عراق در کرکوک رخ داد که سبب عقب‌نشینی نیروهای پیشمرگه و کنترل استان کرکوک توسط دولت مرکزی بغداد، پس از سه سال شد (Golpy, 2017).

علاوه بر پیامدهای یاد شده باید گفت که همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق موضوعی صرفاً «عراقی» نیست، بلکه در سطح منطقه‌ای و به‌خصوص برای کشورهای ایران، ترکیه و سوریه نیز حائز اهمیت است. هر یک از این کشورها همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق را یک تهدید جدی می‌دانند. دولت «رجب طیب اردوغان»^۱ با داشتن دست کم ۱۵ میلیون جمعیت کرد نگران تبعات جدایی کردستان از عراق در ترکیه است. جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر تاثیرگذاری این همه‌پرسی بر جمعیت کرد ایران، نگران نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان و هم‌مرز شدن آن با جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، تهران و آنکارا با قاطعیت با همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق مخالفت کردند و حتی این موضوع سبب نزدیکی بیشتر دو کشور شده است. به نحوی که پس از برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان ابتدا «ژنرال» حلوصی آکار^۲، رئیس ستاد ارتش ترکیه و سپس «رجب طیب اردوغان»، رئیس جمهوری ترکیه (Aydin tasbas, 2017) به تهران سفر و با مقامات نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران حول محور مخالفت با جدایی کردستان از عراق دیدار و گفتگو کردند. بنابراین پس از همه‌پرسی در صورت عملی شدن نگرانی‌های داخلی ترکیه درباره تحرکات جدایی‌خواهانه جمعیت کرد و افزایش فعالیت «پ.ک.ک» علیه آنکارا و فعال شدن برخی احزاب معارض ایران مانند «کوموله» و «پژاک»، (Department Press Briefing, 2017) احتمال اتحاد و تقابل مخالفان علیه اقلیم کردستان عراق اجتناب‌ناپذیر است.

علاوه بر مخالفت‌های کشورهای همجوار، موانع و چالش‌های بین‌المللی مهمی در قبال استقلال کردستان وجود دارد که مانع تحقق خواسته‌های «بارزانی» می‌شود. قدرت‌های جهانی یعنی آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا در حال حاضر شرایط را برای برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان و تجزیه عراق نامناسب دانسته و آن را موجب تضعیف مبارزه با داعش و بحران انسانی سوریه متمرکز است و به اقلیم کردستان در شمال عراق آمریکا در قبال خاورمیانه بر داعش و بحران انسانی سوریه متمرکز است و به اقلیم کردستان در شمال عراق توجه زیادی نمی‌کند. از سویی دیگر مواضع برخی از کشورهای عربی همچون عربستان سعودی و اسرائیل در خصوص استقلال کردستان قابل توجه است. «عربستان سعودی به بهای تضعیف موقعیت ایران با پوشش

1. Recep Tayyip Erdogan
2. Hulusi Akar

مذهبی در قالب مبارزه با هلال شیعی، نه تنها مخالفتی با تجزیه عراق ندارند بلکه بستر ساز آن نیز شده است» (Maleki, 2017). اسرائیل نیز با ایجاد زیرساخت‌های فنی در منطقه کردستان به دنبال نفوذ سیاسی و امنیتی بیشتر در منطقه است و هدف کردها در نزدیکی به اسرائیل نیز جلب حمایت لابی یهود در آمریکا و کسب حمایت قطعی آمریکا از استقلال طلبی کردهاست (Guzasky & Lindenstrass, 2012, pp. 27-40). در یک نتیجه کلی باید گفت که اعلام استقلال کردستان عراق مخصوصاً در شرایط فعلی از طرفی موجب ایجاد هزینه‌های غیر قابل پرداخت داخلی و در نتیجه شکنندگی اوضاع امنیتی داخل اقلیم کردستان شده و از سوی دیگر در بعد خارجی کردستان را با بحران‌های اقتصادی و امنیتی روبه‌رو خواهد کرد که هر یک به تنهایی پتانسیل شروع دور دیگری از زد و خورد‌های منطقه‌ای و رشد گروه‌های تروریستی در منطقه بین‌النهرین و از جمله کردستان خواهند بود. در واقع ادامه حیات کردستان مستقل به دست همسایگان آن است و کردستان عراق بدون هماهنگی با آن‌ها نمی‌تواند به راحتی مسیر استقلال را طی کند.

۳-۵. سناریوی ممکن: ایجاد کردستان بزرگ

طرح خاورمیانه بزرگ در سال ۲۰۰۵ توسط «جورج بوش» و وزیر امور خارجه وی، «کاندولیزا رایس» وارد فرهنگ سیاسی جهانی شد (Rouhi, 2008, pp. 12-15). طبق این راهبرد، کشورهای منطقه باید بر اساس مرزهای قومیتی خود به چند واحد سیاسی کوچک تقسیم شوند که در این راستا جدایی بخش‌هایی از ایران، ترکیه، عراق و سوریه برای تشکیل کشور کردستان از اهداف آن محسوب می‌گردد؛ بنابراین ایجاد کردستان بزرگ جزو اهداف آمریکا و متحدش یعنی رژیم صهیونیستی است. تقسیم عراق موجب به راه افتادن حرکت‌های جدایی‌خواهانه دیگر در منطقه و زمینه‌ساز تسلط اسرائیل و آمریکا بر منابع نفتی اقلیم و ایجاد پایگاه نظامی-امنیتی در کردستان خواهد شد و این به معنای حضور بسیار نزدیک در مرزهای غربی و پراهمیت ایران خواهد بود؛ بنابراین با توجه به پیشینه عملکرد واشنگتن در خاورمیانه به نظر می‌رسد که مخالفت آمریکا با رفراندوم استقلال یک اقدام صوری و غیرواقعی است و برنامه تأسیس کردستان بزرگ را دنبال می‌کنند. به طور مثال همزمان با برگزاری همه‌پرسی، در اقدامی خلاف قانون اساسی عراق، کنسرسیومی متشکل از سه شرکت آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی برای مشخص کردن حدود جغرافیایی «کشور جدید کردستان» خندق‌هایی حفر کرده‌اند که از شمالی‌ترین مناطق عراق هم مرز با سوریه و ترکیه شروع و با در بر گرفتن استان کرکوک و مناطق جنوبی آن حدود ۴۰۰ کیلومتر از مرز داخلی خاک عراق را تفکیک می‌کند (Cohen, 2017).

کردهای عراق و سوریه به طرح «کردستان بزرگ» توجه زیادی دارند. آن‌ها به دنبال تغییر شرایط و بسترهای سیاسی-نظامی ناشی از بحران تروریستی منطقه، با این فرض که «هر جا کردی است، آن جا

کردستان است» به ایجاد «مرزهای شناور» پرداخته‌اند. هدف نهایی این اقدام تحقق آرمان تأسیس «کردستان بزرگ» در مناطقی است که از ساختار قومی-مذهبی مختلط برخوردار می‌باشد؛ بنابراین در سوریه نیز ایجاد «کردستان بزرگ» دور از ذهن نیست؛ چراکه در صورت ایجاد کشوری کرد در شمال سوریه، کردها خود را به دریای مدیترانه می‌رسانند. کردهای سوری که تا پیش از بحران سوریه در سه منطقه «جزیره»، «کوبانی» و «عفرین»، اقدام به تشکیل کانتون‌های مجزا و خودمختار کرده بودند، از همان آغاز درگیری‌های سوریه، بی‌اعتنا به تنش‌های فی‌مابین با اتخاذ رویکردی مجزا در پی تشکیل اقلیمی خودمختار، نظیر آن چه در شمال عراق است، گام برداشته‌اند. در این بین عدم قدرت بالای سایر گروه‌های حاکم بر سوریه و تضعیف پی‌درپی حکومت مرکزی نیز فضا را برای آن‌ها مهیا ساخت. کردهای سوری به جهت تشکیل نوار باریک خودمختار در شمال سوریه، سعی دارند از طریق ائتلاف با عرب‌ها و ترکمن‌های ساکن در میانه سه کانتون یاد شده زمینه اتصال آن‌ها را فراهم آورند. در همین راستا نیروهای کرد یعنی «یگان‌های مدافع خلق»^۱ شهر استراتژیک «تل‌ابیض» را از کنترل داعش خارج کرده و دو کانتون «جزیره» و «کوبانی» را از راه منطقه «تل‌ابیض» به هم متصل نمودند. هم‌اکنون منطقه «کوبانی» و «جزیره» به یکدیگر متصل شده و کنترل حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع از نوار ۸۰۰ کیلومتری مرز شمالی سوریه با ترکیه را در اختیار آن‌هاست؛ اما به دلیل وجود «سپر فرات» ترکیه، هنوز کردها موفق به اتصال کوبانی به عفرین یعنی حد فاصل میان جرابلس تا اعزاز نگردیدند. امری که آن‌ها را از یک قدمی رسیدن به آب‌های بین‌المللی بازداشته است. بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که اعلام همه‌پرسی از سوی مقامات حکومت اقلیم کردستان، موضوعی محدود میان دو بازیگر عراقی و کردی نبوده و در واقع سناریویی بزرگ و مستمر به منظور تحقق آرمان کردستان بزرگ است که قدم به قدم در حال اجرا است. موضوعی که به نفع اسرائیل است و امنیت ترکیه، ایران، عراق و سوریه را در سال‌های آتی تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. کردها با جلب حمایت ایالات متحده مسئله استقلال کردستان عراق و پس از آن سوریه را دنبال می‌کنند. حتی ارسال سلاح به کردها توسط تل‌آویو و واشنگتن در مسیر تحقق این آرمان صورت می‌گیرد. سرمایه‌گذاری اوپاما بر روی کردهای سوریه توسط ترامپ هم ادامه خواهد داشت. چراکه ساختار سیاسی ایالات متحده به همراه اتاق فکر اطلاعاتی و نظامی این کشور بر این عقیده هستند که تا سال آینده باید «کردستان بزرگ» تشکیل شود و جدایی بخش‌هایی از ایران، ترکیه، عراق و سوریه برای تشکیل کشور کردستان را پیامد بارز

طرح خاورمیانه می‌دانند. مهم‌ترین علت تلاش برای ایجاد کردستان بزرگ را باید در امر برون رفت از حصار جغرافیایی و دست‌یابی به آب‌های گرم به منظور ایجاد یک اقتصاد پویا و پایدار در مناطق تحت کنترل کردها که دارای منابع غنی نفت و زمینه‌های مناسب برای توسعه کشاورزی هستند، دانست.

پیدایش کردستان بزرگ از سوریه تا عراق، سناریویی است که بدون تردید اسرائیل آن را کلید زده است تا با تجزیه منطقه بتواند امنیت خود را تأمین کرده و معادلات را به سوی دیگر جهت‌دهی کند. در واقع تشکیل «نوار کردی» متشکل از مرزهای ترکیه، سوریه و نهایتاً عراق، طرح سنتی اسرائیل مبنی بر تحقق بحث از نیل تا فرات را جامه عمل خواهد پوشاند. از این رو به احتمال زیاد در آینده نزدیک شاهد واکنش‌های تندی نسبت به این موضوع از جانب عراق، سوریه، ترکیه و ایران به دلیل تعارض با منافع آن‌ها خواهیم بود. علی‌رغم تسهیل شرایط برای ایجاد مناطق مستقل کردنشین در شمال سوریه و شمال عراق، هم‌چنان موانعی پیش روی آنان است. به عنوان نمونه سیاست اعلامی جمهوری اسلامی بر حفظ تمامیت ارضی تمامی کشورهای منطقه است؛ بنابراین با وجود نزدیکی به برخی گروه‌های کرد به ویژه حزب «اتحادیه میهنی کردستان عراق»، از ایجاد استقلال مناطق کردنشین ممانعت به عمل خواهد آورد. ترکیه نیز تجزیه کشور سوریه را خط قرمز خود قلمداد نموده است. در حال حاضر هزار شبه نظامی «پ.ک.ک» که در منطقه قندیل کردستان عراق مستقر بوده‌اند با آغاز بحران در سوریه و حملات داعش به عراق خود را به مناطق کردنشین رسانده و نقش بسزایی در قدرت‌گیری و تثبیت جایگاه کردها در این دو کشور ایفا نموده‌اند. برآورد تحولات منطقه نشان می‌دهد که بنا بر ایدئولوژی این حزب مبنی بر تشکیل کردستان بزرگ، هرگونه قدرت‌گیری «پ.ک.ک» و شعبه‌اش در منطقه خطرات گسترده امنیتی را علیه تهران و آنکارا در بر خواهد داشت (Cohen, 2017). در همین راستا مقامات ترکیه حضور یگان‌های مدافع خلق (YPG) را در عفرین، تهدیدی برای امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای می‌دانند و نگرانی خود را از حضور کردهای سوریه در ناحیه «منبج» اعلام نموده‌اند؛ بنابراین در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۸ عملیات نظامی علیه «ypg» در شمال عفرین با نام «شاخه زیتون» را آغاز کردند. شرایط جدید سوریه به گونه‌ای است که ترکیه و آمریکا می‌خواهند از آن به نفع ادامه سیاست‌های خود در منطقه بهره‌برداری کنند. این دو علاقه‌مند هستند شرایط در سوریه به گونه‌ای تغییر کند که به اهدافشان در این کشور و کل منطقه دست یابند.

حمله ارتش ترکیه به منطقه عفرین با هدف از بین بردن پایگاه‌های کرد مخالف دولت ترکیه، ایجاد منطقه حائل امن در مرزهای خود با سوریه و در اختیار داشتن نواحی از خاک این کشور، برای تاثیرگذاری در تعیین سرنوشت آن صورت گرفته است. در واقع ترکیه خواهان کنترل کامل مرزهای خود با دولت

سوریه است تا از این طریق، کردهای ترکیه نتوانند از مناطق کردنشین سوریه برای تحرکات تروریستی و مخالفت با دولت ترکیه بهره‌برداری کنند. همچنین ترک‌ها در پی آن هستند تا برگ برنده‌ای در سرنوشت آینده سوریه در اختیار داشته باشند. از سوی دیگر آمریکایی‌ها پی‌گیر اهداف خاص خود در سوریه هستند. آن‌ها از جانب رژیم صهیونیستی به منظور جلوگیری از قدرتمندتر شدن سوریه در دوران پساداعش، تحت فشار می‌باشند. همچنین جلوگیری از حضور پرنفوذ هم‌پیمانان سوریه در این کشور و دخالت در آینده سوریه از اهداف دیگر سران آمریکا است؛ بنابراین تلاش می‌کند با قدرت بیشتری در مسائل سوریه دخالت کند. همین مسئله باعث تلاقی سیاست‌های این دو کشور در شمال سوریه شده و آمریکا را به عنوان مدافع کردها و ترکیه را به عنوان مخالف کردها وارد عمل کرده است. البته تلاش این دو کشور بر آن است که به عنوان دو عضو ناتو سیاست‌هایشان منجر به رویارویی با یکدیگر نشود.

همچنین باید توجه کرد که کردها از ظرفیت‌های بالای مردم‌سالاری و همزیستی در میان یکدیگر بی‌بهره‌اند؛ مانند درگیری‌های خونین سال‌های دههٔ نود میلادی میان «حزب دموکرات» به رهبری مسعود بارزانی و «اتحادیهٔ میهنی» به رهبری طالبانی. در حال حاضر نیز پیشمرگه‌های وابسته به گروه‌های طالبانی «سلیمانیه» را در اختیار گرفته‌اند و شبه نظامیان پیشمرگه بارزانی «اربیل و دهوک» را تحت کنترل درآورده‌اند و این رقابت درون گروهی برآشفته‌گی اوضاع خواهد افزود. تحولات کنونی منطقه و رشد بی‌ثباتی بیش از هر وقت؛ شرایط مساعد برای گروه‌های تجزیه طلب کرد را فراهم آورده است و می‌توان اذعان نمود که با وجود موانع احتمالی، شانس تجزیه کشورهای عراق و سوریه نسبت به گذشته بیش از احتمال پایداری و حفظ تمامیت ارضی آنان است. مگر آن که دول بین‌المللی در رابطه با آینده سوریه به توافقی همه‌گیر دست یابند.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش بر پایه روش آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که پس از برگزاری رفراندوم ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، آنچه در مقام عمل در اقلیم روی می‌دهد تلاش برای تشکیل دولت مستقل کردی است. این در حالی است که اقلیم از درون و بیرون دچار مشکلات و آسیب‌های جدی چون انزوای ژئوپلیتیکی، مسئله کرکوک، اختلافات داخلی احزاب کردی، موانع نظامی، فرهنگی و مخالفت‌های ترکیه، ایران و برخی کشورهای عربی منطقه با تجزیه عراق روبرو می‌باشد که از مهم‌ترین موانع پیش‌روی شکل‌گیری دولت مستقل کردی در شمال عراق هستند. هرکدام از این موانع را می‌توان به عنوان پاشنه آشیل و آتش زیر خاکستر برای استقلال کردستان عراق دانست که در صورت بروز کوچک‌ترین خطایی اقلیم با مخاطرات جدی روبرو خواهد شد. این امر می‌تواند بسیاری از دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آزادی سیاسی و وجود سیاست خارجی نسبتاً مستقل اقلیم را در خود بیچد و دشواری‌های غیرقابل پیش‌بینی متعددی برای سران آن فراهم سازد.

کردستان عراق تا استقلال راه زیادی در پیش دارد و تحقق استقلال کردها از عراق به سادگی و تنها با آرای احتمالی مردم کرد در پای صندوق‌های رأی میسر نخواهد بود؛ بنابراین در حالت فعلی، حکومت اقلیم برای رهایی از بن‌بست و بحران می‌تواند با تجدیدنظر در سیاست‌های خود به اقداماتی از قبیل؛ اصلاحات در کابینه دولت کردستان، اعزام هیئتی کاردان برای مذاکره با بغداد، ایجاد روند مناسب برای گفت‌گوها بین احزاب کردی و کاهش تنش بین آنها و ... دست زند. اگرچه سناریوهای محتمل در تحقیق حاضر نشان می‌دهند که پس از رفراندوم بازیگری ثالث برای میانجیگری به صحنه خواهد آمد، سناریوی بعدی اعلام استقلال کردستان پس از شکست مذاکرات با عراق و دولت‌های منطقه‌ای است؛ اما آینده مطلوب صحبت از پیروزی رفراندوم و استفاده از کارت اقتصادی در معادلات منطقه‌ای دارد. دلیل ترسیم چنین آینده مطلوب برای اقلیم کردستان عراق، داشتن بهترین وضعیت در طی یک قرن اخیر و موفقیت اقلیم در زمینه اقتصادی بود. از طرفی در سناریوی ممکن که به تشکیل کردستان بزرگ می‌پردازد، عراق، سوریه، ترکیه و ایران با این طرح مخالفت کرده و احتمال دارد که در آینده‌ای نزدیک واکنش‌های تندی نسبت به این موضوع نشان دهند. سیاست جمهوری اسلامی ایران بر حفظ تمامیت ارضی تمامی کشورهای منطقه است، از این رو و با وجود نزدیکی با برخی گروه‌های کرد چون حزب «اتحادیه میهنی کردستان عراق»، از ایجاد استقلال مناطق کردنشین ممانعت به عمل خواهد آورد. نگاه امنیتی به این مسئله گواه آن است که هرگونه قدرت‌گیری کردها در منطقه به تحریک کردهای ایران برای کسب این امتیاز کمک خواهد نمود و تمامیت ارضی و سیاسی ایران را تهدید خواهد کرد. ترکیه دیگر دولت صاحب نفوذ

منطقه است که علی‌رغم اختلاف دیدگاه با جمهوری اسلامی به اقدام مشابهی سوق خواهد یافت. در پایان باید گفت هر چند حکومت اقلیم کردستان در تلاش برای تشکیل دولت مستقل کردی است؛ اما در حال حاضر با توجه به موانع و شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی امکان اعلام استقلال برای آن وجود ندارد؛ بنابراین سران آن به منظور خروج از بحران، نیازمند تجدیدنظر در سیاست‌های خود و انجام اصلاحات گسترده هستند.

جدول (۱): سناریوی مطلوب اول

بازیگران	اهداف و راهبردها	انجام مذاکرات اقلیم با دولت مرکزی و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و اعلام استقلال کردستان
دولت مرکزی عراق	صادرات نفت، حل مناقشه کرکوک، جلوگیری از ایجاد دشمن جدید در مرز عراق، کاهش خسارات و تأثیرات منفی از دست رفتن مناطق شمالی کردنشین عراق، پل ارتباطی بین اقلیم کردستان با جهان عرب و بهره‌مندی از امتیازات اقتصادی و سیاسی آن	
ایران	کسب متحد با ارزش در برابر دولت اسلامی به شدت ضد شیعه، تجارت گسترده و عادلانه با اقلیم کردستان، تقویت فرهنگ ایرانی در کشورهای حوزه فلات ایران، محدود نمودن نفوذ اسرائیل و آمریکا در منطقه و دور زدن تحریم‌های بانکی از طریق بازار سیاه وسیع کردستان	
ترکیه	اقلیم کردستان به عنوان منبع جدید و مهم تأمین نفت و گاز، کاهش وابستگی به نفت و گاز روسیه و ایران، کسب متحدان کردی در برابر «پ.ک.ک.» و پایان بخشیدن به منازعات خونین چند دهه اخیر بین آنکارا و «پ.ک.ک.»	
آمریکا و متحدان غربی	استفاده از وزن بالای ژئوپلیتیک اقلیم، اشاعه نظام سکولار موازی با دموکراسی آمریکایی به جهان، بهره‌برداری از توان اقتصادی اقلیم کردستان، استفاده از نیروی کردها جهت جنگ نظامی و فکری علیه افراطی‌گری‌ها و خشونت‌های سازمان یافته	

جدول (۲): سناریوی مطلوب دوم

بازیگران	اهداف و راهبردها	استقلال اقلیم کردستان و بهره‌گیری از توانمندی اقتصادی اربیل
اقلیم کردستان عراق	ورود به بازار جهانی انرژی، توسعه اقتصادی، فراهم نمودن زمینه برای حضور سرمایه‌گذاری جهت هموار نمودن مسیر استقلال، مصونیت از تجاوز نظامی حکومت مرکزی، جلوگیری از تکرار تجربیات تلخ کشتار کردها از سوی حکومت‌های مختلف عراق	
ایران	درآمدهای گمرکی	
ترکیه	درآمدهای گمرکی و تأمین نیازهای صنعتی خود به انرژی	

جدول (۳): سناریوی احتمالی اول

اهداف و راهبردها	بازیگران
کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی به‌خصوص در امور مورد مناقشه، استفاده از موضوع استقلال به عنوان کارتی برای تحت فشار قرار دادن عراق، استفاده از تبلیغات سیاسی برای آرام کردن وضعیت نامطلوب اقلیم و به دست آوردن امتیاز کنفدرالی	اقلیم کردستان
افزایش امنیت و ثبات داخلی، پیش‌گیری از بحران داخلی و تنش منطقه‌ای	دولت مرکزی عراق
پایان دادن به مناقشه یا کاهش آن، کسب اعتبار و افزایش نفوذ خود در کردستان، جلوگیری از تنش منطقه‌ای جدید	بازیگر ثالث

جدول (۴): سناریوی احتمالی دوم

اهداف و راهبردها	بازیگران
تحریم اقتصادی، بستن مرزها، توافق مرزی و هوایی با دولت عراق، اتحاد با ترکیه و تقابل مشترک علیه اقلیم کردستان.	ایران
تحریم اقتصادی، بستن مرزها، احتمال دخالت نظامی، منع صادرات نفت اقلیم از طریق ترکیه و افزایش همکاری با ایران جهت تقابل با اقلیم کردستان و توافق مرزی و هوایی با دولت عراق.	ترکیه
مخالفت با رفراندوم استقلال اقلیم کردستان	روسیه، آمریکا و متحدان غربی
بسترسازی برای تجزیه عراق، حمایت از استقلال کردستان و تضعیف موقعیت ایران در منطقه	عربستان
ایجاد زیرساخت‌های فنی در اقلیم کردستان، نفوذ امنیتی بیشتر در منطقه و کاهش نفوذ ایران در منطقه	اسرائیل

جدول (۵): سناریوی ممکن

اهداف و راهبردها	بازیگران
حفظ تمامیت ارضی تمام کشورهای منطقه	ایران
ایجاد ثبات مرزی، جلوگیری از تحریک کردهای ترکیه، از بین بردن پایگاه کردهای مخالف دولت ترکیه، ایجاد منطقه حائل امن، در دست داشتن نواحی از خاک سوریه برای تاثیرگذاری در تعیین سرنوشت این کشور	ترکیه
ایجاد اقتصاد پویا و پایدار در مناطق تحت کنترل کردها، تسلط بر صنایع نفتی اقلیم، ایجاد پایگاه نظامی و امنیتی در اقلیم، جلوگیری از قدرتمند شدن سوریه، جلوگیری از حضور قدرتمند هم‌پیمانان سوریه، حفظ جایگاه اسرائیل، دخالت و نقش داشتن در تعیین سرنوشت سوریه	آمریکا
حفظ امنیت اسرائیل، تحقق آرمان اسرائیلی نیل تا فرات، تسلط بر منابع نفتی اقلیم و ایجاد پایگاه نظامی در اقلیم، کاهش نفوذ ایران در منطقه	اسرائیل

References

- Abdul Pour, M. (2017). Referendum of Iraqi Kurdistan independence, Geopolitical brand-making. *Diplomatic Hamshahri*, 99(66). (in Persian)
- Ahmadi, H. (1999). *Ethnicity and Ethnism in Iran, Legend or Reality*, Tehran: Ney Pub. (in Persian)
- AjansHabar. (2016). Pkkile Barzani arasindaki gerginligin sebebi. www.ajanshaber.com.
- Asadi, A. A. (2009). Iraqi Parliamentary Elections; Internal and Regional Dimensions, *Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, 10(40) pp. 31-58. (in Persian)
- Aydintasbas, A. (October 4, 2016). Why the Kurdish Referendum is none of Turkey's Business, The Washington Post, at, <http://www.washingtonpost.com>.
- Azghandi, A., & Karami, p. (2007). Autonomy and Creation of a Democratic Political System in Iraq, *Quarterly of the Political Science of the Political University of Karaj*, 4(7). pp. 5-26. (in Persian)
- Bahrami, M. (2012). *Influencing Factors on Ankara Relationships with the Kurdistan Region of Iraq*. Tehran: International Center for Peace Studies. (in Persian)
- Bashikchi, A. (1999). *The issue of Kurdistan in Turkey and Iraq* (M.Moradi's translation). Tehran: Hamida Pub. (in Persian)
- Buzan, B., & O, Waever. S. (2017). Contradictory? Sociologically Untenable? The Copenhagen School Replies Review of *international studies* 23, no2, 1997: 241-50. Connelly, Megan 2017, *Information, Insecurity and Escalation in Kirkuk*. NRT English. Published electronically March 19, www.nrttv.com.
- Chermak, Th. (2004). Robust Strategic Planning Employing Scenario Planning and Fuzzy Inference System, This paper appears in the publication, *International Journal of Decision Support System Technology*, 36(3).
- Chulov, M., & Paul, J. (September 22, 2017). Barzani on the Kurdish referendum: We refuse to be subordinates, the Guardian. www.theguardian.com.
- Cohen, E. (2017). Kurdistan: From Referendum to the Road to Independence, *BESA Center Perspectives Paper No. 507*.
- Department Press Briefing. (December 13, 2017). www.state.gov.
- Deqi Wtekany Lahur Shekh Jengi Le Parlamani. *Europa*. Millet Press. (May 3, 2016). Published electronically. www.milletpress.com.
- Ferris, Kimberly Stoltz.
- Golpy, O. (October 10, 2017). Abadi wins ISIS war, Maliki wins elections: Time for US. www.rudaw.net.
- Guzansky, Y., & Lindenstrauss, G. (2012). Revival of the periphery in Israel's foreign policy? *Strategic Assessment*, 15(2), 27-48.
- Hafeznia, M. (2006). The Kurdish autonomy of the Iraqi Kurds on the neighboring countries. *Quarterly journal of geographic research*, 83, pp. 5-36. (in Persian)

- Haghpanah, J. (2008). Kurds and foreign policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran: *Contemporary Abrar International Cultural Institute of International Papers and Researches*. (in Persian).
- Hacaloglu, H. (2017). Turkiye, Irak, Kurt Bolgesiyle Petrol iliskini Kesermi
- Hamdi, M. (Jan 20, 2017). U.S. Continues Buildup of Iraqi Kurdish Forces. Al Monitor. Published electronically. www.al-monitor.com.
- Hawre Hasan, H. (January 27, 2017). The Consequences of Politicized Forces in the Kurdistan Region of Iraq. CSS Blog Network Published electronically www.isnblog.ethz.ch.
- How critical is the new rift in the PUK?. Rudaw. (September 5, 2016). Accessed. www.rudaw.net.
- Iran strongly opposed to Kurdish independence. EIU (2017). www.country.eiu.com.
- Johnson, K., & Emily, T. (2017). Kurds Finally Set Date for Independence Referendum. Foreign Policy Published electronically. www.foreignpolicy.com.
- Kuchra, K. (1998). *Kurdish National Movement* (translation by Younesi). Tehran: Negah Pub. (in Persian).
- MacDiarmid, C. (June 15, 2017). Masoud Barzani: Why It's Time for Kurdish Independence. Foreign Policy Published electronically. www.foreignpolicy.com.
- Martin, J. (1982). *Stories and Scripts in Organizational Settings*, in A. Hastrof & A. Isen (Eds), New York, Elsevier. .
- Ministry of Natural Resources. (July 23, 2015). The rood to 1million barrels. Retrieved from www.mnr.krg.org.
- Mohammadi, H., & Khalidi, H. (2011). *Geopolitics of Iraqi Kurdistan*. Tehran: Enthkhab Pub. (in Persian).
- Mohammadian, A., & Torabi, Q. (2015). The aftermath of Saddam's fall on Iraqi Kurdish situation. *Iranian Journal of International Policy*, 3(2), pp. 116-141. (in Persian).
- Mozafari, AS. (2009). Future study of the substrate crossing the boundaries of knowledge. *Quarterly Journal of Police and Security*, 1(8), pp. 47-25. (in Persian).
- Mubarakshahi, M. (2015). *A look at the political geography of Iraqi Kurdistan, with an emphasis on the issue of Kirkuk*. Marivan: Evin Publishing. (in Persian).
- Nami, M., & MohammadPour, A. (2008). Geography of Iraq with emphasis on Geopolitical issues. Tehran: Geographic Organization of the Armed Forces Pub. (in Persian).
- Nawhi, S. (July 30, 2017). Disputed Territories Pose Major Challenge to Kurdish Referendum. Al Monitor Published electronically. www.al-monitor.com.
- Nazem, D. (September 2011). Interview with the Diplomatic Hamshahri Quarterly, No. 75. (in Persian).

- News Desk. (September 22, 2017). Iraqi Kurdistan vote poses direct threat to Turkish national security: Turkey, Press TV. www.presstv.ir.
- News Desk. (July 17, 2017). Kurdish-Iran border trade hindered by Iraqi checkpoints, RUDAW. www.rudaw.net.
- Nori Asls, A. (2016). The Iraqi Kurdistan Region in the Dream of Independence, Internal Barriers. Tehran: Tebyyn Strategic Thinking. (in Persian)
- Pashang, A. (2011). *The Challenges in the face of Turkey's Diplomacy in Iraqi Kurdistan*. Tehran: International Center for Peace Studies. (in Persian)
- Pourkhosravi, A. (2008). Turkey in the vortex of Iraq's transformation. *Quarterly journal of political economic information*, 22(7), p. 86. (in Persian)
- Raza, F. (2017). *Kurdish Referendum 2017: A Threat to Regional Stability?*
- Rouhi, n. (2008). US Middle East and Iraqi Kurdistan Policy. *The Strategic Studies of the Islamic World*, 33, pp. 17-5. (in Persian)
- Samiee Esfahani, A., & Shafiee, M. (2015). The future of Takfiri groups and the stabilizing solutions of the Syrian government and Iraq. *Quarterly Journal of Strategic Policy Studies*, 4(14), pp. 199-227. (in Persian)
- Stansfield, G. (2013). The unraveling of the post-first wrld war state system? The Kurdistan region of Iraq and the transformation of the Middle East, *The Royal Institute of International Affairs. Published by Blackwell PublishingAffairsh*, 259-282. 89.
- Swrgey, B. (September 27, 2017). Kurdistan State Efforts, Border Disputes/Annexation, Economy Andtrade, www.al-m0nitor.com.
- Ferris, A., & Fllow, S. (March 3, 2008). The Future of Kirkuk: The Referendum and Its Potential Impact on Displacement. *The Brookings Institution*. www.brookings.edu.
- Tisheyar, M. (2012). *Futur Study in Strategic Studies*, (2ed) Strategic Studies publication.
- UNDP. (March 2015). Multi-Sector Needs Assessment of Hosting Communities across the Kurdistan Region. www.humanitarianresponse.info
- Yaldiz, K. (2012). *Kurds in Iraq; Past, Present, Future* (Translated by S. Feizi). Tehran: Tavakoli Pub. (in Persian)
- Yerevan, S. (September 07, 2017). Firing Up Kurdish Nationalism in Iraq. *The Washington Institute for Near East Policy*. Accessed. www.washingtoninstitute.org.
- Zarhnoush, M. (2017). Reviewing the Barriers and Challenges of the Iraqi Kurdistan (Report). Tehran: Tanin Analytical Database. (in Persian)